

# كتاب مشهور به ابوشجاع

موسوم به

الغاية والتقريب

تأليف:

إمام أحمد بن الحسين بن أحمد الأصفهاني

تهيه و ترجمه:

آموزش مجازی مدارس دینی اهل سنت

## کتابُ الطَّهَارَةِ

المياه التي يجوز بها التطهير سبع مياه، ماء السماء، وماء البحر، وماء التهر، وماء البئر، وماء العين، وماء الثلج، وماء البرد. ثم المياه على أربعة أقسام، طاهر مطهر غير مكروه وهو الماء المطلق، وطاهر مطهر مكروه وهو الماء المشمس، وطاهر غير مطهر وهو الماء المستعمل، والمتغير بما خالطه من الظاهرات، وماء نجس، وهو الذي حلت فيه نجاسة وهو دون القلتين أو كان القلتين فتغير، والقلتان خمس مائة رطل بغدادی تقريباً في الأصح.

### طهارت :

در لغت: به معنای پاکیزگی است

در اصطلاح: از بین بردن نجاست و رفع حدث (بی وضویی و بی غسلی)

### کتاب پاکیزگی :

آب‌هایی که (در طبیعت وجود دارد و) انجام پاکیزگی با آنها جایز است هفت آب می باشند:

۱- آب باران

۲- آب دریا

۳- آب رود

۴- آب چاه

۵- آب چشمه

۶- آب برف

۷- آب تگرگ

سپس ، آب‌ها (از لحاظ استفاده برای طهارت) به چهار بخش تقسیم می شوند:

۱- آبی که پاک و پاک کننده است و ناپسند نیست ، و آن آب مطلق (بی قید) است<sup>۱</sup>.

۲- آبی که پاک و پاک کننده است ولی استفاده از آن ناپسند است ، و آن آب مشمس است (آبی است

که در ظروف فلزی در آفتاب گرم شده باشد).

<sup>۱</sup> - همان آب خالص است که چیزی با آن آمیخته نشده.

۳- آبی که پاک است ولی پاک کننده نیست ؛ و آن آبی است که (برای فرض طهارت) به کار رفته (و کمتر از دو قله بوده است) و یا به سبب آمیختن چیزی از پاکی‌ها به آن تغییر کرده است<sup>۱</sup>.

۴- آب پلید (نجس) ، آبی است که در حالت کم‌تر از دو قله بودن ، نجاست در آن افتاده باشد ، یا اینکه دو قله بوده ولی با رسیدن نجاست تغییر نموده است.

**دو قله:** عبارتست از پانصد رطل بغدادی<sup>۲</sup> تقریباً بنا به قول صحیح‌تر.

#### کلمات:

(المياه): آب‌ها ، جمع کلمه ماء است. (التطهير): پاک کردن ، پاکیزگی. (ماء السماء): آب باران. (البئر): چاه. (الثلج): برف. (البرد): تگرگ. (مطهر): پاک کننده. (مکروه): ناپسند. (خالط): آمیخت. (دون): کمتر. (الأصح): صحیح‌تر.

#### فصل:

وجلود الميتة تطهر بالتباغ إلا جلد الكلب والحزير وما تولد منهما أو من أحدهما وعظم الميتة وشعرها نجس إلا الأدمى.

#### فصل:

ولا يجوز استعمال أواني الذهب والفضة، ويجوز استعمال غيرهما من الأواني.

#### فصل:

والسواك مستحب في كل حال إلا بعد الزوال للصائم. وهو في ثلاثة مواضع أشد استحباباً، عند تغير الفم من أزم وغيره، وعند القيام من النوم، وعند القيام إلى الصلاة.

#### فصل:

وفروض الوضوء ستة أشياء: النية عند غسل الوجه، وغسل الوجه، وغسل اليدين إلى المرفقين، ومسح بعض الرأس، وغسل الرجلين إلى الكعبين، والترتيب على ما ذكرناه. وسننه عشرة أشياء: التسمية، وغسل الكفين من قبل إدخالهما الإناء، والمضمضة، والإستنشاق، ومسح جميع الرأس، ومسح الأذنين ظاهرهما وباطنهما بماء جديد، وتخليل اللحية الكثة، وتخليل أصابع اليدين والرجلين، وتقديم اليمنى على اليسرى، والظاهرة ثلاثاً ثلاثاً والموالة.

#### فصل:

پوست هر مرداری با دباغی پاک می‌شود ، مگر پوست سگ و خوک و آنچه از آن دو یا یکی از آن دو<sup>۳</sup> زاییده شود. و استخوان و موی هر مرداری پلید است مگر استخوان و موی مرده آدمی که پاک است.

**مردار:** هر حیوانی که ذبح شرعی نشده و هر مرده‌ای که خوردن آن جایز نباشد.

**دباغی:** از بین بردن اضافات پوست که در صورت باقی ماندن آنها ، پوست فاسد شده و از بین می‌رود ، و باید به گونه‌ای باشد که اگر پس از انجام دباغی پوست خیس شد ، در آن فساد ایجاد نشود.

<sup>۱</sup> - مانند شربت و آب میوه

<sup>۲</sup> - ۱۹۳ لیتر

<sup>۳</sup> - از جفت گیری سگ یا خوک با حیوان دیگری بوجود آمده باشد مانند سگ‌رگ که از سگ و گرگ است.

### فصل:

و استفاده از ظرف‌های طلا و نقره جایز نیست، و استفاده از ظرف‌های دیگر غیر از آن دو جایز است.

### فصل:

مسواک زدن در هر حالی سنت است مگر بعد از زوال برای روزه دار.

### مسواک زدن در سه وقت مستحب‌تر است:

- ۱- هنگام تغییر بوی دهان به خاطر سکوت و یا چیزهای دیگر.
- ۲- هنگام بیدار شدن از خواب.
- ۳- هنگام برخاستن برای نماز.

**زوال:** هنگام اذان ظهر، زمانی که خورشید از وسط آسمان به سوی مغرب کج می‌شود.

### کلمات:

(أزم): سکوت. (النوم): خواب (السواك): مسواک

### فصل:

### فرض‌های وضوء شش چیز است:

- ۱- نیت هنگام شستن صورت
- ۲- شستن صورت
- ۳- شستن دو دست همراه با دو آرنج
- ۴- دست تر کشیدن به قسمتی از سر
- ۵- شستن دو پا همراه با دو قوزک
- ۶- رعایت نمودن ترتیبی که ذکر شد

### سنت‌های وضوء ده چیز است:

- ۱- گفتن بسم الله
- ۲- شستن دو کف دست پیش از وارد نمودن آنها در ظرف آب
- ۳- آب زدن در دهان و بینی
- ۴- دست تر کشیدن به همه سر
- ۵- دست تر کشیدن به خارج و داخل گوش‌ها با آب تازه
- ۶- خلال کردن ریش پرپشت
- ۷- خلال کردن انگشت‌های دست و پا
- ۸- مقدم داشتن راست بر چپ
- ۹- سه بار شستن هر عضو
- ۱۰- پی در پی شستن (موالات)<sup>۱</sup>

**منظور از خلال کردن:** رساندن آب به لابلائی آن می‌باشد.

### کلمات:

(التسمية): بسم الله گفتن. (كفّين): دست‌ها تا مچ. (المضمضة): آب زدن در دهان. (الإستنشاق):

آب زدن در بینی. (لحبة): ریش. (كثة): پرپشت. (تخليل): خلال کردن. (أصابع): انگشتان.

<sup>۱</sup> - یعنی با انجام کار یا سخنی طولانی میان شستن اعضای وضوء فاصله نیاندازد.

**فصل:** الإستنجاء واجب من البول والغائط والأفضل أن يستنجى بالأحجار ثم يتبعها بالماء. ويجوز أن يقتصر على الماء أو على ثلاثة أحجارٍ ينقي بهنَّ المحلَّ، فإذا أراد الإقتصار على أحدهما فالماء أفضل، ويجتنب إستقبال القبلة واستدبارها في الصحراء، ويجتنب البول والغائط في الماء الرَّاكد وتحت الشَّجرة المثمرة وفي الطَّريق والظِّلِّ والثَّقْب ولا يتكلَّم على البول والغائط، ولا يستقبل الشمس والقمر، ولا يستدبرهما.

**فصل:** والَّذي يبطل الوضوء ستَّة أشياء: ما خرج من السَّبيلين، والتَّوم على غير هيئة المتمكن، وزوال العقل بسكرٍ أو مرض، ولمس الرَّجل المرأة الأجنبية من غير حائل ومسِّ فرج الآدمي بباطن الكفِّ، ومسِّ حلقة دبره على الجديد.

**فصل:**

**قضاي حاجت:**

و پاک کردن محل خروج نجاست پس از ادرار و مدفوع واجب است. و بهتر است که خود را با چند سنگ پاک نموده ، سپس از آب استفاده کند. و جایز است که تنها به آب بسنده نموده و یا به سه سنگ که محل نجاست را پاک کنند اکتفا نماید. و اگر خواست به یکی از آن دو بسنده کند ، آب بهتر است. و باید در فضای باز ، از رو کردن و پشت کردن به قبله در حال قضای حاجت خودداری کند ، و از ادرار و مدفوع کردن در آب راکد ، زیر درخت میوه دار ، در راه ، زیر سایه و درون سوراخ ، پرهیز کند. و نباید هنگام قضای حاجت سخن گفته یا به سمت آفتاب و ماهتاب ، رو یا پشت کند.

**فصل:**

**چیزهایی که وضو را باطل می کند:**

چیزهایی که وضو را باطل می سازد شش چیز است:

- ۱- آنچه از دو راه (پیش یا پس) خارج شود
- ۲- خواب رفتن به حالتی که نشیمنگاه به زمین نجسبیده باشد
- ۳- از بین رفتن عقل در اثر مستی یا بیماری
- ۴- لمس کردن نامحرم بدون پرده (رسیدن پوست به پوست)
- ۵- لمس شرمگاه آدمی با کف دست
- ۶- لمس حلقهٔ مقعد با کف دست ، بنا به قول جدید<sup>۱</sup> امام شافعی

**کلمات:**

**(الإقتصار):** اکتفا کردن ، بسنده نمودن. **(يجتنب):** پرهیز می کند. **(استقبال):** رو کردن. **(استدبار):** پشت کردن. **(مثمرة):** دارای میوه. **(الظِّل):** سایه. **(الثَّقْب):** سوراخ. **(ينقض):** باطل می کند. **(سبيلين):** دو راه **(سُكر):** مستی. **(الأجنبية):** غریبه ، نامحرم. **(حائل):** پرده ، پوشش. **(زوال):** از بین رفتن. **(مسِّ):** دست زدن. **(باطن الكف):** کف دست

<sup>۱</sup> - فتاوی و اقوالی که امام شافعی در زمان اقامت در مصر بیان نمودند به قول جدید مشهور است و فتاوایی که در زمان اقامت ایشان در عراق بیان شده قول قدیم مذهب گفته می شود.

## غسل

**فصل:** والذی یوجب الغسل ستہ اشیاء: ثلاثة تشترک فیہا الرجال والنساء وهی التقاء الحتانین، وإنزال المنی، والموت، وثلاثة تختص بها النساء وهی الحيض والتفاس والولادة.

**فصل:** وفرائض الغسل ثلاثة اشیاء: التیة، وإزالة التجاسة إن كانت علی بدنه وإیصال الماء إلی جمیع الشعر والبشرة.

وسننه خمسة اشیاء: التسمية والوضوء قبله، وإمرار اليد علی الجسد والموالة، وتقديم الیمنی علی الیسری.

**فصل:** والإغتسالات المسنونة سبعة عشر غسلًا: غسل الجمعة، والعیدین، والإستسقاء، والخسوف، والكسوف، والغسل من غسل الميت، والكافر إذا أسلم، والمجنون والمغمی علیه إذا أفاقا، والغسل عند الإحرام، ولدخول مكة، وللوقوف بعرفة، وللمبيت بمزدلفة، ولرمی الجمار الثلاث، وللطواف، وللسعی، ولدخول مدينة رسول الله صلی الله علیه وسلّم.

## غسل:

**در لغت:** به معنای شستن است

**در اصطلاح:** رساندن آب به تمامی اعضای بدن همراه با نیت

## فصل:

**چیزهایی که غسل را واجب می کند شش چیز است:**

سه تایی آن میان مردان و زنان مشترک است، و آن سه:

۱- به هم رسیدن ختنه گاه مرد و زن

۲- خارج شدن منی

۳- مرگ

سه تایی آن ویژه ی زنان است:

۱- حیض (عادت ماهیانه)

۲- نفاس (خون پس از زایمان)

۳- زایمان

## فصل:

**فروض های غسل سه چیز است:**

۱- نیت

۲- از بین بردن نجاست اگر بر بدن باشد (پیش از شستن بدن)

۳- رساندن آب به تمام پوست و موی های بدن

**سنت های غسل پنج چیز است:**

۱- گفتن بسم الله

۲- وضو گرفتن پیش از غسل

۳- کشیدن دست به بدن در حال غسل

۴- پی در پی شستن

۵- مقدم داشتن راست بر چپ.

### فصل:

غسل‌های سنت هفده تا است:

- ۱- غسل روز جمعه
- ۲- غسل دو عید (فطر و قربان)
- ۳- غسل برای نماز طلب باران
- ۴- غسل برای [نماز] ماه گرفتگی
- ۵- غسل برای [نماز] خورشید گرفتگی
- ۶- کسی که میت را غسل داده است
- ۷- کافر هنگامی که مسلمان شود
- ۸- دیوانه هر گاه بهبود یافت
- ۹- بیهوش هرگاه به هوش آمد
- ۱۰- غسل برای احرام بستن به حج یا عمره
- ۱۱- غسل برای ورود به مکه معظمه
- ۱۲- غسل برای حاضر شدن در سرزمین عرفات
- ۱۳- غسل برای شب ماندن در مُزْدَلِفَةُ
- ۱۴- غسل برای سنگ زدن به ستون‌های سه گانه در مینى
- ۱۵- غسل برای طواف خانه خدا
- ۱۶- غسل برای سعی (تند رفتن) میان صفا و مروه
- ۱۷- غسل برای ورود به مدینه پیامبر. صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ.

**فصل:** والمسح على الخفين جائز بثلاثة شرائط: أن يبتدى لبسهما بعد كمال الطهارة وأن يكونا ساترين لمحلّ غسل الفرض من القدمين، وأن يكونا ممّا يمكن تتابع المشى عليهما، ويمسح المقيم يوماً وليلة والمسافر ثلاثة أيام بلياليهنّ، وابتداء المدّة من حين يحدث بعد لبس الخفين فإن مسح في الحضر ثمّ سافر أو مسح في السفر ثمّ أقام أتمّ مسح مقيم، ويبطل المسح بثلاثة أشياء: مجلّعها، وانقضاء المدّة وما يوجب الغُسل.

### فصل:

مسح موزه (خُفّين)

دست تر کشیدن بر دو موزه (کفش یا جوراب) با سه شرط جایز است:

- ۱- پس از طهارت کامل<sup>۱</sup> آنها را پوشیده باشد
  - ۲- موزه‌ها، محلّ شستن فرض از دو پا را بپوشاند
  - ۳- موزه‌ها از جنسی باشد که بتوان با آنها پی در پی راه رفت (پاره نشود)
- مدت مشخص شده در شرع برای مسح موزه‌ها:

۱- طهارت کامل یعنی اینکه شخص وضو داشته باشد و غسلی بر وی واجب نباشد.

شخص مقیم<sup>۱</sup> می تواند یک شبانه روز، به جای شستن دو پا در وضو، دست تر بر موزه‌ها بکشد، و شخص مسافر می تواند سه روز و سه شب هنگام وضو به جای شستن دو پا، دست بر موزه‌ها بکشد، و مدت مشخص شده (یک شبانه روز برای مقیم و سه شبانه روز برای مسافر) از زمانی آغاز می شود که شخص بعد از پوشیدن موزه‌ها بی وضو می شود<sup>۲</sup>. پس اگر در محل اقامت خویش مسح نمود سپس به سفر رفت و یا اینکه در سفر مسح نمود، سپس به محل اقامت خویش بازگشت، فقط یک روز و یک شب مسح می نماید.

### مسح خفین با سه چیز باطل می شود:

۱- در آوردن موزه‌ها

۲- پایان یافتن مدت مشخص شده برای مسح

۳- واجب شدن غسل.

**فصل:** وشرائط التیمم خمسة أشياء: وجود العذر بسفر أو مرض، ودخول وقت الصلاة، وطلب الماء، وتعذر استعماله، وإعوازه بعد الطلب، والتراب الطاهر الذي له غبار فإن خالطه جص أو رمّل لم يجز. وفرائضه أربعة أشياء: النية، ومسح الوجه، ومسح اليدين مع المرفقين، والترتيب، وسننه ثلاثة أشياء: التسمية وتقديم اليمنى على اليسرى والموالة، والذي يبطل التيمم ثلاثة أشياء: ما أبطل الوضوء، ورؤية الماء في غير وقت الصلاة والرده، وصاحب الجبائر يمسح عليها ويتيمم ويصلي، ولا إعادة عليه إن كان وضعها على طهر ويتيمم لكل فريضة، ويصلي بواحد ماشاء من التوافل.

### فصل:

#### در باب تیمم:

**در لغت:** به معنای قصد کردن است

**در اصطلاح:** روی آوردن به خاک پاک برای مسح دست و صورت به نیت مباح نمودن نماز

#### شرط‌های واجب شدن تیمم پنج چیز است:

۱- وجود عذر به سبب سفر (نیافتن آب) و یا به سبب بیماری (نتواند آب را برای وضو و غسل به کار برد)

۲- فرا رسیدن وقت نماز

۳- جستجوی آب

۴- ناممکن بودن استفاده از آب (داشتن عذر)؛ و نیاز داشتن به آن (برای رفع تشنگی و امور ضروری) بعد از جستجو و یافتنش

۵- خاک پاکی که غبار داشته باشد؛ پس اگر گچ یا ماسه در خاک آمیخته باشد کفایت نمی کند.

#### فرض‌های تیمم چهار چیز است<sup>۳</sup>:

۱- نیت

۲- کشیدن دست خاکی به صورت

<sup>۱</sup> - کسی که مسافر نیست.

<sup>۲</sup> - زیرا بعد از پوشیدن کفش تا هر موقعی که بی وضو نشده است وضو دارد و حاجت به مسح خفین ندارد [شیخ خالدی]

<sup>۳</sup> - روش انجام تیمم به جای وضو و غسل یکسان است و تفاوتی ندارد



۳- کشیدن دست خاکی به دو دست با دو آرنج

۴- رعایت ترتیب

**سنت های تیمم سه چیز است:**

۱- گفتن بسم الله

۲- مقدم داشتن راست بر چپ

۳- پی در پی تیمم کردن

**آنچه تیمم را باطل می کند سه چیز است:**

۱- چیزهایی که وضو را باطل می کند

۲- دیدن آب در غیر وقت نماز (برای شخصی که آب در اختیار نداشته است)

۳- برگشتن از دین (مرتد شدن)

صاحب پانسمان ، ابتدا بر روی آن دست تر می کشد ، سپس تیمم می کند و اگر هنگام بستن پانسمان با وضو بوده است نماز می خواند و اعاده (تکرار نماز) بر او لازم نیست. و برای هر نماز فرض یک تیمم نیاز است ، و می توان با یک تیمم هر تعداد نماز سنت خواند.

**فصل:** وكلّ مائع خرج من السبيلين نجس إلاّ المنى وغسل جميع الأبوال والأرواث واجب إلاّ بول الصبي الذی لم يأكل الطعام فإنه يطهر برش الماء عليه. ولا يعفى عن شيء من التّجاسات إلاّ اليسير من الدم والقريح. وما لا نفس له سائلة إذا وقع في الإناء ومات فيه فإنه لا ینجسه. والحيوان كلّه طاهر إلاّ الكلب والخنزير وما تولّد منهما أو من أحدهما. والميتة كلّها نجسة إلاّ السمك والجراد والأدمى. ويغسل الإناء من ولوغ الكلب والخنزير سبع مرّات، إحداهنّ بالتراب. ويغسل من سائر النجاسات مرّة تأتى عليه، والثلاثة أفضل. وإذا تخلّلت الخمره بنفسها طهرت وإن خُلّلت بطرح شيء فيها لم تطهر.

**فصل:**

و هر مایعی که از دو راه (پیش و پس) بیرون آید ، نجس است مگر منی که پاک است ، و شستن همه ادرارها و مدفوع ها واجب است ، مگر ادرار پسر بچه ای که (سن او کمتر از دو سال بوده و) جز شیر ، غذای دیگری نخورده است ، که در این حالت با پاشیدن آب بر آن پاک می شود ؛ و چیزی از نجاست ها بخشیده نمی شود مگر اندکی خون و خونابه.

و هر چیزی که خون جاری شونده ندارد ، هرگاه در ظرف افتاده و بمیرد ، پلیدش نمی کند. و همه حیوانات پاک می باشند ، جز سگ و خوک و آنچه از آن دو یا یکی از آنها بزاید. و تمام مردارها نجس می باشند ، جز مرده ماهی و ملخ و آدمی.

و ظرفی که سگ و خوک دهان بزنند باید هفت بار شسته شود که یک بار آن آمیخته به خاک باشد. و نجاست های دیگر یک بار شسته می شود به صورتی که آب ، همه محل را فرا گیرد ، و سه بار شستن بهتر است. و هرگاه شراب خود بخود سرکه شد پاک می شود ، و اگر با انداختن چیزی در آن تبدیل به سرکه شد ، پاک نمی شود.

**کلمات:**

**(نیت):** برای جدا کردن مراتب عبادت است؛ زیرا نماز فرض از نماز واجب، نذر از نماز سنت، بوسیله نیت تمییز داده شود.

**(مسح):** در باب تیمم، مسح به معنی دست خاکی کشیدن و در اصل مجرّد دست کشیدن است. **مَسَحْتُ الْجِدَارَ** یعنی دست به دیوار کشیدم. **مَسَحْتُ الرَّأْسَ** دست به سر کشیدن.

**(ترتیب):** به معنی نگاه داشتن نظم و رعایت هیأت است. اگر در نماز، رکوع بعد از سجود و فاتحه در رکوع انجام داده شود نماز درست نیست.

**(موالاة):** یعنی پی در پی، و مراد عدم ایجاد فاصله میان ارکان وضو و تیمم است تا هیأت آن محفوظ ماند.

**(جبائر):** جمع جبیره است، یعنی پانسمان، گچ، آتل که برای اعضای شکسته یا مجروح به کار می رود و مقصود از آن هر چیزی که مانع از رسیدن آب به اعضاء باشد، مانند چسب روی زخم.

**(رشّ):** به معنی پاشیدن. **(مائع):** روان و آن بر خلاف جامد به معنی بسته است. **(عفو):** به معنی بخشودگی. **(دم):** خون. **(قیح):** چرک، خونابه. **(ما):** چیزی که. **(لا نفس له سائلة):** خون جاری شونده ندارد و اگر عضوی از بدنش جدا کنند خونی از آن جاری نشود مانند حشرات. **(سائلة):** روان شونده. **(وقع):** افتاد. **(مات):** مُرد. **(إناء):** ظرف، جایگاه چیزی. **(حیوان):** جانور. **(طاهر):** پاک **(نجس):** پلید. **(ما تولد):** آنچه بزاید و پدید آید. **(میتة):** مردار. **(كله - کلها):** همه اش. **(سمک):** ماهی. **(جراد):** ملخ. **(ولوغ):** دهان زدن. **(کلب):** سگ. **(خنزیر):** خوک. **(تخللت):** سرکه شد. **(خَلّ):** سرکه. **(خَلّ):** دوست. **(خمره):** شراب، می. **(بنفسها):** خودش، خود بخود. **(طرح):** انداختن. **(بطرح شیء):** به انداختن چیزی.

**فصل: وَيَخْرُجُ مِنَ الْفَرْجِ ثَلَاثَةٌ دُمَاءٍ: دَمُ الْحَيْضِ، وَالتَّفَاسِ، وَالِإِسْتِحَاضَةَ، فَالْحَيْضُ: هُوَ الدَّمُ الْخَارِجُ مِنْ فَرْجِ الْمَرْأَةِ عَلَى سَبِيلِ الصَّحَّةِ مِنْ غَيْرِ سَبَبِ الْوَلَادَةِ. وَلَوْنُهُ أَسْوَدٌ مُحْتَمِدٌ لِدَّاعِ. وَالتَّفَاسُ: هُوَ الدَّمُ الْخَارِجُ عَقِبَ الْوَلَادَةِ. وَالِإِسْتِحَاضَةُ: هُوَ الدَّمُ الْخَارِجُ فِي غَيْرِ أَيَّامِ الْحَيْضِ وَالتَّفَاسِ. وَأَقَلُّ التَّفَاسِ لِحِظَةِ، وَأَكْثَرُهُ سِتُّونَ يَوْمًا، وَغَالِبُهُ أَرْبَعُونَ. وَأَقَلُّ الطَّهْرِ بَيْنَ الْحَيْضَتَيْنِ خَمْسَةَ عَشَرَ يَوْمًا، وَلَا حَدَّ لِأَكْثَرِهِ. أَقَلُّ زَمَنِ تَحِيضٍ فِيهِ الْمَرْأَةُ تَسَعُ سِنِينَ، وَأَقَلُّ الْحَمَلِ سِتَّةَ أَشْهُرٍ وَأَكْثَرُهُ أَرْبَعُ سِنِينَ، وَغَالِبُهُ تِسْعَةُ أَشْهُرٍ. وَيَحْرَمُ بِالْحَيْضِ وَالتَّفَاسِ ثَمَانِيَةَ أَشْيَاءٍ: الصَّلَاةُ، وَالصَّوْمُ، وَقِرَاءَةُ الْقُرْآنِ وَمَسُّ الْمَصْحَفِ وَحَمَلُهُ، وَدُخُولُ الْمَسْجِدِ، وَالطَّوْافِ، وَالْوِطَاءِ وَالِإِسْتِمْتَاعَ بِهَا بَيْنَ السَّرَّةِ وَالرَّكْبَةِ.**

**وَيَحْرَمُ عَلَى الْجَنْبِ خَمْسَةَ أَشْيَاءٍ: الصَّلَاةُ وَقِرَاءَةُ الْقُرْآنِ، وَمَسُّ الْمَصْحَفِ، وَحَمَلُهُ وَالطَّوْافِ وَاللَّبْثُ فِي الْمَسْجِدِ. وَيَحْرَمُ عَلَى الْمَحْدُثِ ثَلَاثَةَ أَشْيَاءٍ: الصَّلَاةُ، وَالطَّوْافِ وَمَسُّ الْمَصْحَفِ وَحَمَلُهُ.**

### فصل:

از شرمگاه زن سه خون خارج می شود: ۱- خون حیض ۲- خون نفاس ۳- خون استحاضه.  
**حیض: (عادت ماهیانه)** خونی است که در حال تندرستی هر ماهه در روزهای معین می آید، بی آنکه زایمانی درکار باشد، و رنگ خون آن سیاه روشن بوده و سوزناک است.  
**نفاس:** خونی است که پس از زایمان می آید.  
**استحاضه:** خونی است که در غیر وقت حیض و نفاس می آید.

<sup>۱</sup>- در اثر بیماری و یا بریدگی رگ درونی

### مدت زمان جاری شدن این خون ها:

کمترین مدّت جریان خون حیض یک شبانه روز است ، و حداکثر آن پانزده شبانه روز ، و غالب آن شش یا هفت روز در ماه است .

کمترین مدّت جریان خون پس از زایمان یک لحظه است ، و حد اکثر آن شصت روز ، و غالب آن چهل روز می باشد .

کمترین مدّت پاکی میان دو حیض پانزده روز است ، و حدّی برای بیشترین مدت آن وجود ندارد .  
و کمترین سنّی که در آن سنّ و سال ، زن قاعده می شود ، سن نه سالگی است .  
و کمترین مدّت ماندن یک بچّه کامل در شکم مادر شش ماه است . و بیشترین مدّتی که امکان دارد بچّه در شکم مادر بماند چهار سال است <sup>۱</sup> و به طور معمول بچّه نه ماه در شکم مادر می ماند .

### چیزهایی که به خاطر حیض و نفاس حرام می شوند هشت چیز است:

- ۱- نماز
- ۲- روزه
- ۳- خواندن قرآن
- ۴- دست زدن به قرآن و حمل آن
- ۵- وارد شدن به مسجد
- ۶- طواف خانه خدا
- ۷- همبستری با زن حائض یا نفّساء
- ۸- لذت بردن از میان ناف و زانوی حائض و نفّساء

### بر شخص جنّب <sup>۲</sup> پنج چیز حرام است:

- ۱- نماز
- ۲- خواندن قرآن
- ۳- دست زدن به قرآن و حمل آن
- ۴- طواف خانه خدا
- ۵- ماندن در مسجد

### بر شخص بی وضو سه چیز حرام است:

- ۱- نماز
- ۲- طواف خانه خدا
- ۳- دست زدن به قرآن و حمل آن

---

<sup>۱</sup> - دلیلی از قرآن و سنت برای تعیین این زمان وجود ندارد و بر اساس تجربه های گذشته می باشد که با علم نوین پزشکی همخوانی ندارد و احتمالاً بارداری های کاذب بوده یا جنین در اوایل بارداری بدون اینکه زن بداند سقط شده و در نتیجه زن مدت بارداری بعدی را بر اساس بارداری قبلی حساب کرده است . [مترجم]  
<sup>۲</sup> - کسی که به خاطر همبستری یا خروج منی ، غسل بر او واجب شده است .

## کتاب الصلاة

الصلاة المفروضة خمس: الظهر، وأول وقتها زوال الشمس وآخره إذا صار ظل كل شيء مثله بعد ظل الزوال. والعصر، وأول وقتها الزيادة على ظل المثل، وآخره في الإختيار إلى ظل المثليين، وفي الجواز إلى غروب الشمس. والمغرب، ووقتها واحد وهو غروب الشمس، وبمقدار ما يؤذن ويتوضأ ويستتر العورة ويقوم الصلاة ويصلي خمس ركعات. والعشاء، وأول وقتها إذا غاب الشفق الأحمر، وآخره في الإختيار إلى ثلث الليل وفي الجواز إلى طلوع الفجر الثاني. والصبح، وأول وقتها طلوع الفجر الثاني وآخره في الإختيار إلى الإسفار وفي الجواز إلى طلوع الشمس.

### كتاب نماز

#### اوقات نماز:

در شبانه روز پنج نماز فرض می باشد:

**ظهر:** ابتدای وقت آن ، حرکت آفتاب از وسط آسمان و کج شدن به سوی مغرب است ، و پایان وقت آن هنگامی است که سایه هر چیز پس از سایه زوال اندازه خودش شود.

**عصر:** ابتدای وقت آن ، بیشتر شدن سایه هر چیز از اندازه خودش است ، و پایان وقت اختیار ، تا دو برابر شدن سایه هر چیز ، و وقت جواز آن تا غروب آفتاب است.

**مغرب:** وقت آن یکی است ، و آن ، غروب آفتاب است ؛ به اندازه ای که شخص اذان گفته ، وضو گرفته ، عورت بپوشاند ، اقامه نماز بگوید و پنج رکعت نماز بخواند<sup>۱</sup>.

**عشاء:** اول وقت آن هنگامی است که شفق سرخ از جهت مغرب ناپدید شود ، و پایان وقت اختیار آن ، سپری شدن یک سوم شب است ، و وقت جایز آن تا دمیدن سپیده صادق است.

**صبح:** اول وقت آن دمیدن صبح صادق است و پایان وقت اختیار آن ، هنگامی است که هوا روشن شود ، و وقت جایز آن تا طلوع خورشید است.

**فصل:** وشرائط وجوب الصلاة ثلاثة أشياء: الإسلام، والبلوغ، والعقل، وهو حدّ تكليف. والصلوات المسنونات خمس: العیدان، والكسوفان، والإستسقاء. والسّنن التّابعة للفرائض سبعة عشر ركعة: ركعتا الفجر، وأربع قبل الظهر، وركعتان بعده، وأربع قبل العصر، وركعتان بعد المغرب، وثلاث بعد العشاء يوتر بواحدة منهنّ، وثلاث نوافل مؤكّدات: صلاة اللّيل، وصلاة الضحى، وصلاة التّراويح.

<sup>۱</sup> - این قولی ضعیف است و معتمد این است که وقت مغرب تا پنهان شدن شفق سرخ از جهت مغرب امتداد دارد. [شیخ خالدی]

فصل: وشرائط الصلاة قبل الدخول فيها خمسة أشياء: طهارة الأعضاء من الحدث والتجسس، وستر العورة بلباس طاهر، والوقوف على مكان طاهر، والعلم بدخول الوقت، وإستقبال القبلة، ويجوز ترك القبلة في حالتين: في شدة الخوف، في النافلة في السفر على الرّاحلة.

فصل:

شرطهای واجب شدن نماز سه چیز است:

- ۱- مسلمانی
- ۲- بالغ بودن
- ۳- عقل، که نشانه مکلف بودن است

نمازهای سنت:

نمازهای سنتی که (با جماعت خوانده می شود) پنج است:

- ۱- نماز عید فطر
- ۲- نماز عید قربان
- ۳- نماز خورشید گرفتگی
- ۴- نماز ماه گرفتگی
- ۵- نماز طلب باران

نمازهای سنتِ وابسته به نمازهای فرض هفده رکعت است:

- ۱- دو رکعت پیش از نماز صبح
- ۲- چهار رکعت پیش از نماز ظهر
- ۳- دو رکعت بعد از نماز ظهر
- ۴- چهار رکعت پیش از نماز عصر
- ۵- دو رکعت بعد از نماز مغرب
- ۶- سه رکعت بعد از نماز عشاء که یک رکعت آن به نیت وتر به صورت فردی خوانده می شود

سه نماز، سنت مؤکده هستند:

- ۱- نماز تهجد در شب
- ۲- نماز ضحی (چاشتگاه)
- ۳- نماز تراویح در رمضان

فصل:

شرطهای نماز:

شرطهای درست بودن نماز که باید پیش از نماز به جا آید (و در حال نماز گذاردن نیز رعایت شود) پنج چیز است:

- ۱- پاک بودن اندامها از نجاست و بی وضوئی
- ۲- پوشاندن عورت با لباس پاکیزه
- ۳- ایستادن بر جای پاک

۴- آگاهی از داخل شدن وقت نماز

۵- رو به قبله نماز گذاردن.

### ترک قبله در دو حالت جایز است:

۱- هنگام ترس شدید در جنگ (نماز را به هر صورت که امکان داشت می خواند ، رو به قبله یا پشت

به قبله ، پیاده و یا سواره)

۲- در نماز نافله هنگام سفر ، سوار بر وسیله ی سواری

**فصل:** و أركان الصلاة ثمانية عشر ركناً. التّية، والقيام مع القدرة، وتكبيرة الإحرام، وقراءة الفاتحة وبسم الله الرحمن الرحيم آية منها، والركوع، والطّمانينة فيه، والرّفْع، والإعتدال، والطّمانينة فيه، والسّجود، والطّمانينة فيه، والجلوس بين السّجدين والطّمانينة فيه، والجلوس في الأخير، والتشهدّ فيه، والصّلاة على النّبي صلى الله عليه وآله وسلم فيه، والتّسليمة الأولى، ونية الخروج من الصّلاة، وترتيب الأركان على ما ذكرناه.

وسنّها قبل الدّخول فيها شيئان: الأذان، والإقامة. وبعد الدّخول فيها شيئان: التشهد الأوّل، والقنوت في الصّبح وفي الوتر في النّصف الثّاني من شهر رمضان. وهيئاتها خمسة عشر خصلة: رفع اليدين عند تكبيرة الإحرام وعند الرّكوع والرفع منه، ووضع اليمين على الشّمال، والتّوجّه، والإستعاذة، والجهر في موضعه والإسرار في موضعه، والتّأمين، وقراءة السّورة بعد الفاتحة، والتكبيرات عند الرّفْع والخفض، وقول «سمع الله لمن حمده ربّنا لك الحمد»، والتّسبيح في الرّكوع والسّجود، ووضع اليدين على الفخذين في الجلوس يبسط اليسرى ويقبض اليمنى إلاّ المسبّحة فإنّه يشير بها متشهداً، والإفتراش في جميع الجلسات، والتّورّك في الجلسة الأخيرة، والتّسليمة الثّانية.

### فصل:

اركان ، سنت ها و هيئت هاى نماز:

نماز هجده ركن دارد:

۱- نیت

۲- ایستادن در صورت توانایی

۳- الله اكبر اول نماز (تكبيرة الإحرام)

۴- خواندن سورة فاتحه ، كه «بسم الله الرحمن الرحيم» آیه ای از آن است

۵- ركوع

۶- آرام گرفتن در ركوع

۷- برخاستن از ركوع و راست ایستادن

۸- آرام گرفتن در آن

۹- سجود

۱۰- آرام گرفتن در سجود

۱۱- نشستن میان دو سجده

۱۲- آرام گرفتن در آن

۱۳- نشستن در آخر نماز

- ۱۴- خواندن تشهد در نشستن آخر نماز
- ۱۵- صلوات فرستادن بر پیامبر . صلی الله علیه وآله و سلم . در تشهد
- ۱۶- سلام اولی نماز
- ۱۷- نیت بیرون رفتن از نماز
- ۱۸- ترتیب رکن‌های نماز بر اساس آنچه ذکر شد

### سنت‌های نماز پیش از داخل شدن در آن دو چیز است:

۱- اذان ۲- اقامه

### سنت‌های نماز پس از داخل شدن در آن دو چیز است:

- ۱- تشهد اولی
- ۲- خواندن قنوت در نماز صبح و نمازهای وتر در نیمه دوم ماه رمضان

### هیئت‌های نماز پانزده خصلت است:

- ۱- بالا بردن دو دست هنگام تکبیرة الإحرم ، هنگام رفتن به رکوع و بالا آمدن از آن
- ۲- گذاشتن دست راست بر دست چپ
- ۳- خواندن دعای استفتاح
- ۴- گفتن أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
- ۵- بلند خواندن در محل آن (نمازهای جهری)
- ۶- آهسته خواندن در محل آن (نمازهای سری)
- ۷- آمین گفتن پس از خواندن فاتحه
- ۸- خواندن سوره‌ای بعد از فاتحه
- ۹- الله اکبر گفتن در نشست و برخاست‌های نماز
- ۱۰- گفتن «سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمَدَهُ ، رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ» در برخاستن پس از رکوع
- ۱۱- گفتن «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ» در رکوع
- ۱۲- گفتن «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى» در سجود

- ۱۳- گذاشتن دست‌ها بر ران هنگام نشستن در نماز و بازگذاشتن انگشتان دست چپ و مشت کردن دست راست جز انگشت شهادت در تشهد ، هنگام گفتن «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ» که با آن اشاره می‌نماید.
- ۱۴- نشستن به حالت مفترش ، یعنی نشستن بر پاشنه پای چپ ، و راست گرفتن پای راست در تشهد اولی و در تمام نشستن‌های نماز ؛ و نشستن به حالت متورک ، یعنی تکیه بر نشیمنگاه و بیرون آوردن پای چپ از زیر پای راست در تشهد آخر نماز
- ۱۵- سلام دوّمی نماز

**فصل:** والمرأة تخالف الرجل في خمسة أشياء: فالرجل يجافي مرفقيه عن جنبه ويقبل بطنه عن فخذيه في الركوع والسجود، ويجهر في موضع الجهر وإذا نابته شيء في الصلاة سبّح، وعورة الرجل ما بين سرتيه وركبته. والمرأة تضم بعضها إلى بعض وتخضع صوتها بحضرة الرجال الأجانب، وإذا نابها شيء في الصلاة صفت، وجميع بدن الحرة عورة إلا وجهها وكفيها والأمة كالرجل.

**فصل:** والذی يبطل الصلاة أحد عشر شيئاً: ١- الكلام العمد، ٢- والعمل الكثير، ٣- والحدث، ٤- وحدثو النجاسة، ٥- وإنكشاف العورة، ٦- وتغيير النية، ٧- وإستدبار القبلة، ٨- والأكل، ٩- والشرب، ١٠- والقهقهة، ١١- والردّة.

### فصل:

**نماز زن در پنج مورد با نماز مرد متفاوت است:**

#### مرد:

- ١- آرنجش را از پهلوها دور نگه می دارد
- ٢- شکمش را از رانش هایش در رکوع و سجود فاصله می دهد
- ٣- در محلّ بلند خواندن با صدای بلند می خواند
- ٤- هر گاه در نماز مشکلی پیش آمد، سبحان الله می گوید
- ٥- عورت مرد میان ناف و زانوی او است.

#### امّا زن:

- ١- بخشی از بدنش را به بخشی دیگر می چسباند
- ٢- در حضور مردان بیگانه آهسته می خواند
- ٣- هر گاه در حال نماز مشکلی پیش آمد، کف دست راست را بر پشت دست چپ می زند (برای آگاه کردن دیگران)
- ٤- تمام بدن زن آزاد عورت است، مگر صورت و دو کف دستش (که در حال نماز باید آشکار باشد). و عورت کنیز مانند مرد است.

### فصل:

**باطل کننده های نماز یازده چیز است:**

- ١- سخن عمد
- ٢- حرکت بسیار
- ٣- بی وضو شدن
- ٤- پدیدار شدن نجاست
- ٥- آشکار شدن عورت
- ٦- تغییر یافتن نیت<sup>١</sup>
- ٧- پشت کردن به قبله
- ٨- خوردن
- ٩- آشامیدن

<sup>١</sup> - مانند اینکه در نماز فرض باشد و نیت کند نماز سنت باشد



۱۰- خندیدن با صدای بلند  
۱۱- ارتداد (برگشتن از دین اسلام)

### کلمات:

(یجافی): دور می دارد. (مرفق): آرنج. (مرفقیه): دو آرنجش. (یقِلُّ): بالا می گیرد. (بطنه): شکمش را. (فخذیه): دو رانش. (یجهر): بلند می نماید. (إذا): هر گاه. (نابَه): به او رسید. (سَبَّح): سبحان الله می گوید. (سرته): نافش. (رکبته): زانویش. (تضمم): جمع می نماید. (تخضض): آهسته می دارد. (یحضره): بحضور. (أجانب): بیگانگان. (صفقت): کف دست راست بر پشت دست چپ می زند. (حُرّة): زن آزاد. (الامة): کنیز.

**فصل:** ورکعات الفرائض سبعة عشر رکعة. فیها أربع وثلاثون سجدة، وأربع وتسعون تکبیرة، وتسع تشهدات، وعشر تسلیمات ومائة وثلاث وخمسون تسبیحة، وجملة الأركان فی الصلاة مائة وستة وعشرون رکناً: فی الصبح ثلاثون رکناً، وفی المغرب إثنان وأربعون رکناً، وفی الرباعية أربعة وخمسون رکناً. ومَنْ عَجَزَ عن القيام فی الفریضة صَلَّى جالساً ومَنْ عَجَزَ عن الجلوس صَلَّى مضطجعاً.

### فصل:

نمازهای فرض در شبانه روز هفده رکعت است<sup>۱</sup>. در این هفده رکعت: ۳۴ سجده، ۹۴ الله اکبر، ۹ تشهد، ۱۰ سلام، و ۱۵۳ سبحان الله وجود دارد. مجموع ارکان نمازهای پنجگانه: ۱۲۶ رکن است: نماز صبح ۳۰ رکن، نماز مغرب ۴۲ رکن، نمازهای چهار رکعتی ۵۴ رکن. کسی که در نماز فرض توان ایستادن ندارد، باید نشسته نماز بخواند و کسی که توان نشستن ندارد، باید در حال خوابیده به پهلو نماز بخواند<sup>۲</sup>.

### کلمات:

(سبعة): هفت. (عشر): ده. (سبعة عشر): هفده. (أربع): چهار. (ثلاثون): سی. (أربع وثلاثون): سی و چهار. (تسعون): نود. (أربع وتسعون) نود و چهار. (تسع): نه. (تشهدات): تحیاتها. (تسلیمات): سلامهای نماز. (مائة): صد. (ثلاث): سه. (خمسون): پنجاه. (مائة وثلاثة وخمسون): یکصد و پنجاه و سه. (ستة): شش. (عشرون): بیست. (مائة وستة وعشرون): یکصد و بیست و شش. (إثنان): دو. (أربعون): چهل. (إثنان وأربعون): چهل و دو. (الرباعية): چهار رکعتی. (أربعة وخمسون): پنجاه و چهار. (عجز): ناتوان شد. (قیام): ایستادن. (صلی): نماز بخواند. (جالساً): در حال نشستن. (جلوس): نشستن. (مضطجعاً): به پهلو خوابیده.

**فصل:** والمتروک من الصلاة ثلاثة أشياء: فرض، وستة، وهیئة. فالفرض لاینوب عنه سجود السهوی بل إن ذکره والزمان قریب أتى به وبنى علیه وسجد للسهوی. و السنة لا یعود إليها بعد التلبس بالفرض لکنه یسجد للسهوی عنها. و الهیئة لا یعود إليها بعد ترکها ولا یسجد للسهوی عنها. وإذا شک فی عدد ما أتى به من الرکعات بنى علی الیقین وهو الأقلّ وسجد للسهوی. وسجود السهوی ستة ومحله قبل السلام.

<sup>۱</sup> در روز جمعه، مجموع رکعتهای نماز فرض پانزده رکعت و در سفر که نماز قصر می شود پانزده رکعت.  
<sup>۲</sup> اگر به پهلو نیز نتوانست نماز بخواند به هر صورتی که برایش امکان داشت نماز خوانده و نمازش را ترک نمی کند.

**فصل:** وخمسة أوقات لا يصلّى فيها إلا صلاة لها سبب، بعد صلاة الصّبح حتّى تطلع الشّمس، وعند طلوعها حتّى تتكامل وترتفع قدر رمح، وإذا استوت حتّى تزول، وبعد صلاة العصر حتّى تغرب الشّمس، وعند الغروب حتّى تتكامل غروبها.

**فصل:**

**وآنچه (ممکن است) در نماز ترک شود، سه نوع است:**

**۱- فرض:**

اگر در نماز ترک شد، سجود سهو جای آن را نمی‌گیرد، بلکه اگر نمازگزار یادش آمد که فرضی را ترک نموده و مدّتی که از ترک آن گذشته اندک است، همان فرض را بجا می‌آورد و نمازش را ادامه می‌دهد و در آخر نماز سجده سهو می‌کند. (مثلاً اگر رکوع رکعت اولی را ترک نمود و موقعی به یادش آمد که از سجود فارغ شده بود در این حال به رکوع بر می‌گردد و پس از خواندن رکوع به اعتدال و سجود می‌رود، و اگر موقعی یادش آمد که در رکعت دومی در رکوع بود، در اینحالت هر دو رکعت را یک رکعت حساب می‌کند و رکعت اولی به رکوع رکعت دومی تکمیل می‌شود، و اگر طول کشیده و در آخر نماز به یادش آمد که در رکعت اولی رکوع نموده است در اینحال یک رکعت دیگر بخواند)

**۲- سنّت:**

اگر ترک شد نباید پس از مشغول شدن به فرض برای انجام آن، بازگشت. (مثلاً اگر برای تشهد اولی نماز ننشست و موقعی که راست ایستاده به یادش آمد که در تشهد اولی ننشسته است، بر نمی‌گردد بلکه در آخر نماز قبل از سلام سجود سهو می‌خواند)

**۳- هیأت:**

هیأت اگر ترک شد برای انجام آن باز نگشته و سجده سهو انجام نمی‌دهد. و هر گاه نمازگزار در تعداد رکعت‌های خوانده شده شک نمود بنا را بر یقین می‌گذارد، یعنی کم‌تر را حساب می‌کند (مثلاً میان سه و چهار، سه را در نظر می‌گیرد)، و سجود سهو سنّت است<sup>۱</sup> و محلّ آن در آخر نماز و پیش از سلام دادن است.

**فصل:**

**اوقاتی که نماز خواندن بدون سبب در آنها جایز نیست**

پنج وقت است که نماز در آن خوانده نمی‌شود مگر نمازی که دارای سبب باشد (مانند نماز قضا، نماز نذر، نماز سنّت قبلیه و بعدیه و نماز سنّت وضو و یا تحیه مسجد)

۱- بعد از نماز صبح تا آنکه آفتاب طلوع کند

۲- هنگام طلوع آفتاب تا آنکه کاملاً طلوع کرده و به اندازه‌ی یک نیزه بالا رود<sup>۲</sup>

۳- هنگامی که خورشید در وسط آسمان قرار دارد، تا آنکه به سوی مغرب کج شود

۴- بعد از نماز عصر تا هنگام غروب آفتاب

۵- هنگام غروب آفتاب تا آنکه کاملاً غروب نماید

**فصل:** وصلاة الجماعة سنّة مؤكدة وعلى المأموم أن ينوي الإلتزام دون الإمام، ويجوز أن يأتّم الحرّ بالعبد، والبالغ بالمراهق، ولا تصحّ قدوة رجل بامرأة، ولا قارى بأمّى. وأى موضع صلّى في المسجد بصلاة

<sup>۱</sup> - و آن دو سجده است مانند سجده نماز  
<sup>۲</sup> - شانزده دقیقه از طلوع بگذرد

الإمام فيه وهو عالم بصلاته أجزاء ما لم يتقدم عليه، وإن صَلَّى في المسجد والمأموم خارج المسجد قريباً منه وهو عالم بصلاته ولا حائل هناك جاز.

**فصل:** ويجوز للمسافر قصر الصلاة الرباعية بخمس شرائط: أن يكون سفره في غير معصية، وأن تكون مسافته ستة عشر فرسخاً، وأن يكون مؤدياً للصلاة الرباعية، وأن ينوي القصر مع الإحرام، وأن لا يأتّم بمقيم. ويجوز للمسافر أن يجمع بين الظهر والعصر في وقت أيهما شاء، وبين المغرب والعشاء في وقت أيهما شاء، ويجوز للحاضر في المطر أن يجمع بينهما في وقت الأولى منهما.

**فصل:**

**نماز جماعت:**

نماز جماعت سنّت مؤكده است و بر مأموم لازم است نیت اقتداء کند ولی بر امام نیت امامت لازم نیست.

نماز خواندن شخص آزاد پشت سر برده، و بالغ پشت سر کودک و نوجوان، جایز است. اقتدا کردن مرد به زن، و اقتدای کسی که فاتحه درست می‌داند به کسی که فاتحه درست نمی‌داند، جایز نیست.

در هر مکانی از مسجد که با اقتدا به امام، نماز خوانده شود، درحالی که نمازگزار نسبت به نماز امام آگاه باشد، نمازش درست است، مادامی که جلوتر از امام نباشد. و اگر امام در مسجد نماز بخواند و مأموم در خارج و نزدیک به مسجد ایستاده باشد در حالی که میانشان پرده و حائلی نیست، نمازش درست است.

**فصل:**

**نماز در سفر:**

با پنج شرط جایز است که مسافر، نمازهای چهار رکعتی را به صورت شکسته (قصر) بخواند:

- ۱- سفر او برای انجام گناه نباشد
- ۲- مسافت سفر او شانزده فرسخ<sup>۱</sup> (و بیشتر) باشد
- ۳- ادا کننده نماز چهار رکعتی باشد
- ۴- نیت قصر همراه با تکبیرة الإحرام باشد
- ۵- به شخص مقيم اقتدا نکند.

شخص مسافر می‌تواند میان نماز ظهر و عصر در وقت هر کدام از آنها که خواست، و میان مغرب و عشاء در وقت هر کدام از آنها که خواست، جمع کند.

و شخص مقيم می‌تواند هنگام باران، میان نماز ظهر و عصر؛ و نماز مغرب و عشاء در وقت اولی از آنها جمع نماید<sup>۲</sup> (جمع تقدیم)

**فصل:** و شرائط وجوب الجمعة سبعة أشياء: الإسلام، والبلوغ، والعقل، والحريّة والذّكورية، والصحة والإستيطان. و شرائط فعلها ثلاثة: أن تكون البلد مصرّاً أو قرية وأن يكون العدد أربعين من أهل الجمعة وأن يكون الوقت باقياً فإن خرج الوقت أو عدت الشروط صلّيت ظهراً.

۱- ۸۹ کیلومتر تقریباً

۲- نماز جمع باران باید به در مسجد به صورت جماعت خوانده شود.

وفرائضها ثلاثة: حُطبتان يقوم فيهما ويجلس بينهما وأن تصلّي ركعتين في جماعة. وهيئاتها أربع خصال: الغُسل وتنظيف الجسد، ولبس الثياب البيض، وأخذ الظفر، والطيب. ويستحب الإنصات في وقت الخطبة، ومن دخل والإمام يخطب صلّي ركعتين خفيفتين ثمّ يجلس.

**فصل:**

**نماز جمعه:**

شرطهای واجب شدن نماز جمعه هفت چیز است:

- ۱- اسلام
- ۲- بلوغ
- ۳- عقل
- ۴- آزادی
- ۵- مرد بودن
- ۶- تندرستی
- ۷- مقيم بودن

**شرطهای لازم برای برپایی نماز جمعه سه چیز است:**

- ۱- محلّ برپایی نماز جمعه، شهر یا روستا باشد
  - ۲- چهل تن از کسانی که نماز جمعه بر آنها واجب است برای نماز حضور داشته باشند
  - ۳- وقت جمعه باقی باشد
- پس اگر وقت جمعه به پایان رسید (وقت نماز عصر فرا رسید) یا اینکه شرطهای لازم ایجاد نشد، نماز ظهر خوانده می‌شود.

**فرضهای نماز جمعه سه چیز است:**

- ۱- دو خطبه پیش از نماز؛ که امام در این دو خطبه ایستاده و میان آنها می‌نشیند
- ۲- دو رکعت خوانده شود
- ۳- با جماعت خوانده شود

**هیأت‌های نماز جمعه چهار خصلت است:**

- ۱- غسل کردن و پاکیزه نمودن بدن
- ۲- پوشیدن لباس سفید
- ۳- کوتاه کردن ناخن
- ۴- استفاده از عطر و خوشبویی.

خاموش نشستن در وقت خطبه سنت است، و کسی که داخل مسجد شود در حالی که خطیب مشغول خطبه است، باید دو رکعت نماز سبک به جای آورده و سپس بنشیند.

**کلمات:**

(شرائط): جمع شرط، و شرط هر چیزی است که وسیله حصول چیز دیگر باشد، مانند وضو که شرط صحت نماز است، و بدون وضو نماز روا نیست.

(جمعه): آدینه. (حرّیة): آزادی. (ذکوریة): نر بودن. (صحّة): درستی، تندرستی (البلد): محلّ نماز جمعه، و برای جایگاه هر جائی که باشد. (مصر): شهر. (قریه): ده، روستا. (عدد): شماره. (أربعین): چهل

تن. (أهل): کسی که شایستگی داشته باشد. (باقی): مانده. (خرج): بیرون شد. (عُدِمَتْ): یافتن نشد. (خُطِبَهُ): سخنرانی. (يقوم): می ایستد. (فی جماعة): با جماعت. (غسل): شستن، آب تَنی، بدن شستن (تنظیف): پاکیزه ساختن (جسد): تن. (لُبِسَ): پوشیدن. (بِیضٍ): سفیدها. (أخذ): گرفتن. (ظفر): ناخن. (إنصات): خاموشی. (یستحبّ): پسندیده است. (وقت): هنگام. (دخل): وارد شد. (خفیف): سبک.

**فصل:** وصلاة العیدین سنة مؤكدة وهی رکعتان یکبّر فی الأولى سبعاً سوی تکبيرة الإحرام وفي الثانية خمساً سوی تکبيرة القيام. ويخطب بعدها خطبتين یکبّر فی الأولى تسعاً وفي الثانية سبعاً ويكبّر من غروب الشمس من ليلة العيد إلى أن يدخل الإمام فی الصلاة. وفي الأضحى خلف الصلوات المفروضة من صبح يوم عرفة إلى العصر من آخر أيام التشريق.

**فصل:**

### نماز عید فطر و عید قربان:

نماز دو عید (عید فطر و عید قربان) سنت مؤکده است. دو رکعت است که در رکعت اول جز تکبيرة الإحرام، هفت بار الله أكبر گفته می شود، و در رکعت دوم به غیر از تکبیر قیام، پنج الله أكبر، گفته می شود.

بعد از نماز عید، دو خطبه خوانده می شود که امام در خطبه ی اول نُه الله اکبر و در خطبه دوم هفت الله اکبر می گوید. سنت است از غروب آفتاب شب عید، تا زمانی که امام وارد نماز عید می شود، تکبیر گفته شود.

و در عید قربان بعد از هر نماز فرض تکبیر گفتن سنت است، همچنین بعد از نماز صبح روز عرفة تا بعد از نماز عصر روز سیزدهم ماه ذی حجه.

**فصل:** وصلاة الكسوف سنة مؤكدة، فإن فاتت لم تقض. ويصلى لكسوف الشمس وخسوف القمر ركعتين. فی ركعة قیامان یطیل القراءة فیهما، وركوعان یطیل التسبیح فیهما دون السجود، ويخطب بعدها خطبتين ویسر فی كسوف الشمس ویجهر فی خسوف القمر.

### فصل:

### نماز خورشیدگرفتگی و ماه گرفتگی

نماز خورشیدگرفتگی و ماه گرفتگی، سنت مؤکده است، و در صورت فوت، قضا ندارد. برای خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی دو رکعت نماز خوانده می شود. هر رکعت دو قیام دارد که قرائت را در آنها طولانی می کند، و دو رکوع دارد که در آن بسیار تسبیح می گوید ولی در سجود اینگونه نمی کند<sup>۱</sup>. و بعد از نماز خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی، دو خطبه خوانده می شود. نماز خورشید گرفتگی با صدای آهسته و نماز ماه گرفتگی با صدای بلند خوانده می شود.

**فصل:** وصلاة الإستسقاء مسنونة، فیأمرهم الإمام بالتوبة والصدقة والخروج من المظالم ومصالحة الأعداء وصیام ثلاثة أيام ثم یخرج بهم فی اليوم الرابع فی ثياب بذلة واستکانة وتضرع ویصلى بهم

<sup>۱</sup> - گفته ابو شجاع که در سجود طول دادن تسبیح نیست، ضعیف است (سلطان العلماء)

رکعتین کصلاة العیدین ثم یخطب بعدهما، ویحوّل رداءه، ویكثر من الدعاء والإستغفار ویدعو بدعاء رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم وهو: **اللَّهُمَّ اجعل سقيا رحمة ولا تجعلها سقيا عذاب ولا محق ولا بلاء ولا هدم ولا غرق، اللَّهُمَّ على الظراب والآكام ومنابت الشجر وبطون الأودية، اللَّهُمَّ حوالينا ولا علينا، اللَّهُمَّ اسقنا غيثا مغيثاً هنيئاً مريئاً مريعا سحاً عاماً غدقا طبقا مجللاً دائماً إلى يوم الدين.**

### فصل:

#### نماز طلب باران

نماز طلب باران سنتت است: امام، مردم را به انجام توبه، صدقه دادن، ترک ظلم و ادای حقوق دیگران، آشتی میان دشمنان<sup>۱</sup> و گرفتن سه روز روزه، فرمان می دهد. سپس در روز چهارم مردم را با لباس کار (نه لباس فاخر) و در حال فروتنی و زاری به خارج از شهر یا روستا می برد، و دو رکعت همانند نماز دو عید، با آنها می خواند؛ پس از نماز دو خطبه مانند خطبه های عید خوانده، و عبایش را وارونه می کند<sup>۲</sup> و دعا و استغفار بسیار می نماید، و همان دعائی را که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خوانده است را می خواند و آن چنین است:

#### دعای باران:

**اللَّهُمَّ اجعلها سقيا رحمة ولا تجعلها سقيا عذاب.**  
خداوندا، این باران را، باران رحمت بگردان و نه باران عذاب  
**ولا محق ولا بلاء ولا هدم ولا غرق**  
و نه باران بی برکتی، بلا، ویرانی و غرق کننده  
**اللَّهُمَّ على الظراب والآكام ومنابت الشجر وبطون الأودية**  
خدایا بر تپه ها، کوه ها، محل رویش درختان و دل دشت ها بباران  
**اللَّهُمَّ حوالينا ولا علينا، اللَّهُمَّ اسقنا غيثاً مغيثاً هنيئاً مريئاً مريعاً سحاً عاماً غدقاً طبقاً مجللاً دائماً**  
إلى يوم الدين

خداوندا پیرامون ما و نه بر ما؛ خداوندا! ما را باران فریادرس، گوارا، خوش عاقبت، رویاننده، شدید، فراگیر، فراوان، پوشاننده، باشکوه و مداوم تا روز قیامت، عطا بفرما.

**اللَّهُمَّ اسقنا الغيث ولا تجعلنا من القانطين، اللَّهُمَّ إنَّ بالعباد والبلاد من الجهد والجوع والسنك ما لا نشكو إلا إليك، اللَّهُمَّ أنبت لنا الزرع وأدر لنا الصرع وأنزل علينا من بركات السماء وأنبت لنا من بركات الأرض، واكشف عنا من البلاء ما لا يكشفه غيرك، اللَّهُمَّ إننا نستغفرک إنک كنت غقاراً فأرسل السماء علينا مدراراً، ويغتسل في الوادی إذا سال ويسبح للزعد والبرق.**

خداوندا، ما را باران ده و از نومیدان مگردان. خداوندا همانا بندگان و شهرها چنان سختی و گرسنگی و مشقتی کشیده اند که جز نزد تو به کسی شکایت نکنیم. خداوندا کشت ها را برایمان برویان، و شیر حیوانات را فراوان بگردان، و از برکت های آسمان بر ما فرود آور و از برکت های زمین برایمان برویان، و بلا و مصیبت ها را از ما برطرف بگردان، آنچه جز تو توان برطرف نمودنش را ندارد. خداوندا ما از تو طلب آموزش می کنیم به راستی که بسیار آموزگاری پس بر ما باران پی در پی بفرست.

<sup>۱</sup> - افرادی که نسبت به یکدیگر کینه و کدورت دارند

<sup>۲</sup> - اشاره به دگرگونی اوضاع و تبدیل خشکسالی به بارندگی دارد.

اگر باران بارید از آن غسل کند و هنگام رعد و برق تسبیح<sup>۱</sup> بگوید.

### کلمات:

(اللَّهُمَّ): خداوندا. (أَسْقِنَا): آب ده ما را. (الغيث): باران. (لا تجعلنا): مگردان ما را. (من القانطين): از نومیدان. (قانت): نا امید. (قنوط): نومیدی. (بالعباد): به بندگان. (والبلاذ): به شهرها. (من الجهد): از رنج و زحمت. (الجوع): گرسنگی. (الصنك): سختی. (ما لا نشكو): آنچه شکایت نمی‌کنیم از آن. (إلا): مگر. (إليك): به سوی تو (أُنبت): برویان (لنا): برای ما. (الزَّرع): کشتنی‌ها مانند: جو و گندم و غیره از آنچه کاشته می‌شود و از آنچه خود می‌روید. (أدرّ): بریزان. (درّ): به شدت جریان یافت (الضرع): پستان‌ها. (أدرلنا الضرع): یعنی پستان‌های حیوانات را پر شیر فرما (أنزل): فرود آر. (علینا): بر ما. (من برکات): از برکت‌ها. (برکت): فزونی و زیاد شدن. (السماء): به معنی آسمان و به معنی باران؛ یعنی باران را بر ما نازل فرما و برکت‌های آسمان را با آن همراه دار تا باران با برکت باشد. (وأنبت لنا من برکات الأرض): و برویان برای ما از برکت‌های زمین تا آنچه می‌روید با برکت باشد، و خوشی همراه آورد و از آفات دور باشد. (واکشف): و بردار، بر طرف کن، از بین ببر. (عنا): از ما. (من البلاء): از بلا. (بلا): مصیبت، پیش آمد ناگوار. (آفت): آسیب. (غیرک): غیر از تو. (إنّا نستغفرک): محققاً ما از تو آمرزش می‌خواهیم. (إنّا): قطعاً ما، همانا ما. (کنت غفّاراً): همیشه آمرزگاری. (فأرسل): پس بفرست. (السماء): باران. (علینا): بر ما. (مدراراً): بسیار ریزنده، پی در پی (ویغتسل): آب تنی کند، بدن بشوید. (فی الوادی): در دشت، در دره (إذا): هر گاه. (سال): جاری شد. (ویسبح): تسبیح گوید، سبحان الله گوید. (تسبیح): خدا را منزّه از جمله عیب و نقص دانستن. (رعد): تندر (برق): آذرخش.

**فصل: وصلاة الخوف على ثلاثة أضرب: أحدها أن يكون العدو في غير جهة القبلة فيفرقهم الإمام فرقتين، فرقة تقف في وجه العدو وفرقة خلفه. فيصلّى بالفرقة التي خلفه ركعة ثمّ تتمّ لنفسها وتمضى إلى وجه العدو وتأتى الطائفة الأخرى فيصلّى بها ركعة وتتمّ لنفسها وتمضى إلى وجه العدو وتأتى الطائفة الأخرى فيصلّى بها ركعة وتتمّ لنفسها ويسلمّ بها. والثاني أن يكون في جهة القبلة فيصقّهم الإمام صقّين ويحرم بهم فإذا سجد سجد معه أحد الصقّين ووقف الصقّ الآخر يحرسهم فإذا رفع سجدوا ولحقوه. والثالث أن يكون في شدة الخوف والتحام الحرب فيصلّى كيف أمكنه راجلاً أو راكباً مستقبل القبلة أو غير مستقبل لها.**

### نماز خوف

#### فصل:

**نمازی که در حال ترس، در جنگ خوانده می‌شود سه حالت دارد:**

#### حالت اول:

این است که دشمن در جهت قبله نباشد. پس امام، افراد خود را به دو گروه تقسیم می‌کند: گروهی که روبروی دشمن می‌ایستد و گروهی که پشت سر امام قرار می‌گیرند. پس امام با گروهی که پشت سر او هستند، یک رکعت نماز می‌خواند و هنگامی که در رکعت دوم است، این گروه نماز خود را کامل نموده (و سلام می‌دهند)، و به سوی دشمن رو می‌کنند. و آن گروهی که پیش از این روبروی دشمن ایستاده بود

<sup>۱</sup> - سُحَّانُ الَّذِي يَسْبَحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ

آمده و پشت سر امام نماز می‌بندد ، و هنگامی که امام برای تشهد می‌نشیند این گروه نماز خود را تکمیل نموده به تشهد می‌نشینند و امام با این گروه سلام نماز می‌دهند<sup>۱</sup>.

### حالت دوم:

**آنکه دشمن در جهت قبله باشد.** در این حالت امام همراهان خود را به دو صف تقسیم می‌کند و با هر دو صف نماز را آغاز می‌کند. هر گاه که امام به سجده رفت یک صف با امام به سجده رفته و صف دیگر ایستاده و از آنانی که در سجده هستند پاسبانی می‌نماید. وقتی آن صف که با امام به سجده رفته بودند سر از سجده برداشتند ، صفی که ایستاده بودند به سجده می‌روند و در رکعت دوم به امام می‌رسند.

### حالت سوم:

**هنگامی است که ترس شدت یافته ، و جنگ گرم شود.** که در این حالت نمازگزار ، به هر شکلی که برایش امکان داشت . پیاده یا سواره ، رو به قبله یا پشت به قبله . نماز می‌خواند.

**فصل: ويحرم على الرجال لبس الحرير والتختم بالذهب ويحل للنساء وقليل الذهب وكثيره في التحريم سواء. وإذا كان بعض الثوب إبريسماً وبعضه قطناً أو كتاناً جاز لبسه ما لم يكن الإبريسم غالباً.**

### فصل:

### لباس و زینت

بر مردان پوشیدن ابریشم ، و به دست کردن انگشتر طلا حرام است ، ولی برای زنان حلال است . کم یا زیاد بودن طلا ، تأثیری در حرام بودنش برای مردان ندارد. هر گاه بخشی از پارچه ابریشم و بخش دیگری پنبه و یا کتانی باشد ، پوشیدنش جایز است مادامی که ابریشم بیشتر نباشد.

**فصل: ويلزم في الميت أربعة أشياء: غسله، وكفنه، والصلاة عليه، وإثنان لا يغسلان ولا يصلّى عليهما: الشهيد في معركة المشركين والسقط الذي لم يستهلّ صارخاً. ويغسل الميت وترأً ويكون في أول غسله صدر وفي آخره شيء من كافور ويكفن في ثلاثة أثواب بيض ليس فيها قميص ولا عمامة ويكبر عليه أربع تكبيرات يقرأ الفاتحة بعد الأولى ويصلّى على النبي صلى الله عليه وآله وسلم بعد الثانية ويدعو للميت بعد الثالثة. فيقول: اللهم هذا عبدك وابن عبدك، خرج من روح الدنيا وسعتها، ومحبوه وأحبّاه فيها، إلى ظلمة القبر وما هو لاقيه، كان يشهد أن لا إله إلا أنت وحدك لا شريك لك وأنّ محمداً عبدك ورسولك، وأنت أعلم به مثلاً. اللهم إني بك وأنت خير منزلٍ به، وأصبح فقيراً إلى رحمتك وأنت غني عن عذابه وقد جئناك راغبين إليك شفعاء له. اللهم إن كان محسناً فزِدْ في إحسانه وإن كان مُسيئاً فتجاوز عنه ولقّه برحمتك رضاك وقه فتنة القبر وعذابه وافسح له في قبره وجاف الأرض عن جنبه ولقّه برحمتك الأمن من عذابك حتّى تبعثه أماناً إلى جنتك يا أرحم الراحمين. ويقول في الرابعة: اللهم لا تحرمنا أجره ولا تفتننا بعده واغفر لنا وله و يسلم بعد الرابعة.**

ويدفن في لحد مستقبل القبلة، ويسلّ من قبل رأسه برفق، ويقول الذي يلحده بِسْمِ اللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ويضع في القبر بعد أن يعمّق قامه وبسطه ويسطح القبر ولا يبني عليه ولا يجصّص. ولا بأس بالبكاء على الميت من غير نوح ولا شقّ جيب ويعزّي أهله إلى ثلاثة أيام من دفنه ولا يدفن إثنان في قبر إلا لحاجة.

<sup>۱</sup> - در جنگ نماز به صورت قصر (شکسته) خوانده می‌شود



## فصل:

### آنچه برای میت لازم است

چهار چیز در حق میت واجب است:

- ۱- غسل او
- ۲- کفن کردنش
- ۳- نماز خواندن بر او
- ۴- دفن کردنش

دو گروه غسل داده نشده و بر آنها نماز خوانده نمی‌شود:

- ۱- کسی که در نبرد با کافران شهید شود
  - ۲- جنینی که مرده به دنیا آمده و صدایی از آن شنیده نشود<sup>۱</sup>.
- میت به صورت فرد (۳-۵ یا غیره) غسل داده می‌شود. در ابتدای شستنش کمی برگ کنار و در انتهای آن اندکی کافور استفاده می‌شود.

و میت در سه پارچه‌ی سفید کفن می‌شود که نباید در آنها پیراهن یا عمامه باشد. بر میت چهار تکبیر گفته می‌شود که نمازگزار بعد از تکبیر اول، سوره فاتحه می‌خواند، و بعد از تکبیر دوم، بر پیامبر صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ درود می‌فرستد و بعد از تکبیر سوم برای میت دعا نموده و می‌گوید: «خداوندا، این میت، بنده تو و پسر دو بنده تو است، از آسایش و فراخی دنیا خارج شده، در حالی که دوستان و دوست‌دارانش در آن هستند و به سوی تاریکی قبر و آنچه با آن روبرو می‌شود، رهسپار گشته است. گواهی می‌داد که معبودی بحق جز تو نیست که یکتائی و شریکی نداری، و گواهی می‌داد که محمد - صلی الله علیه وآله وسلم - بنده و فرستاده تو است، و تو از ما نسبت به او آگاه‌تری. خداوندا او مهمان تو گشته و تو بهترین میزبان هستی، و محتاج رحمت شده و تو از عذاب او بی‌نیازی، و هر آینه ما با اشتیاق به سوی تو آمده و او را شفاعت می‌کنیم، خداوندا اگر نیکوکار بوده، بر کردار نیکش بیفزای، و اگر بدکار بوده پس از او در گذر، و با رحمت از او خوشنود باش و او را از فتنه و عذاب قبر نگهدار، و قبرش را برای وی فراخ بگردان، و زمین را از دو پهلویش دور بگردان و با رحمت او را از عذابت ایمن دار تا آنکه او را در حال ایمنی به سوی بهشت برسانی، ای مهربان‌ترین مهربانان»

و بعد از تکبیر چهارم: «خدایا ما را از ثواب او محروم مفرما، و پس از او دچار فتنه مکن، و ما و او را بیامرز». و بعد از تکبیر چهارم سلام می‌گوید.

میت در لحد رو به قبله دفن می‌شود و جنازه از طرف سر به آرامی درون قبر گذاشته شده و کسی که میت را در لحد می‌خواباند می‌گوید: «بِسْمِ اللهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ» به نام الله و بر دین فرستاده‌ی خدا صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، و میت پس از آنکه قبر به اندازه‌ی یک قد و یک دست گود شد در آن به پهلو خوابانده می‌شود.

قبر مسطح می‌شود، و نباید روی آن بنایی ساخته شده و گچکاری شود. گریه کردن بر میت هر گاه همراه با نوحه خوانی و پاره کردن گریبان نباشد، اشکالی ندارد. و تا سه روز از دفن میت به بستگان او تسلیت گفته می‌شود و دو میت جز هنگام ضرورت در یک قبر دفن کرده نمی‌شوند.

<sup>۱</sup> - زنده بودنش معلوم نباشد، نه نفس کشیده نه آواز داد نه رگش می‌زند

## کلمات:

(لبس): پوشیدن. (التَّخْتَمُ): انگشتر بدست نمودن. (ذهب): طلا، زر. (يحلّ): روا است. (للنساء): برای زنان. (قليل): اندک (كثير): بسیار. (سواء): یکسان. (الحرير): ابریشم، حریر عربی است و ابریشم معرب ابریشم است. (قطناً): پنبه. (كتان): کتان. (میت): مرده. (غسله): شستنش. (تکفینه): کفن کردنش. (کفن): تن پوش مرده. (دفنه): پوشیدنش زیر خاک که خاک آن را بپوشاند. (شهید): کسی که در جنگ با کافران کشته شد. (سقط): بجهای که از شکم مادر دنیا آمد و علامت حیاتش ظاهر شد. (لم يستهل): بلند نکرد آوازش. (صارخا): بفریاد زدن. (وتر): تاک، فرد (سدر): برگ کنار و آرد آن. (قميص): پیراهن، جامه. (عمامة): دستار. (معركة): جنگ. (هذا): این. (عبدک): بنده تو. (ابن عبدیک): پسر دو بنده تو. (روح الدنيا): راحت دنیا. (وسعتها): و فراخی دنیا. (محبوبه): پسندیده اش. (أحبّاءه): دوستانش. (إلی): بسوی. (ظلمة القبر): تاریکی گور. (وما هو لاقیه): و آنچه او به آن می رسد. (نزل بک): مهمان تو شده است. (وأنت خير منزل به): و تو بهترین کسی هستی که مهمانش شوند. (أصبح): گردیده. (فقيراً): بینوا و نیازمند. (غنی): بی نیاز. (قد): هر آینه. (جنّاک): به درگاه تو آمده ایم. (راغبین إلیک): رغبت کنندگان به سوی تو. (شفعاء له): شفاعتگران برای او. (محسن): نکوکار (مسیء): بدکار. (تجاوز): گذشت فرما. (لقه): برسان او را. (تسطیح): صاف کردن، یکسان سازی با سطح. (لحد): شکاف داخل قبر.

## کتابُ الزَّكَاةِ

تجب الزكاة في خمسة أشياء: وهي المواشي، والأثمان، والزروع، والثمار، وعروض التجارة. فأما المواشي: فتجب الزكاة في ثلاثة أجناس منها وهي: الإبل والبقر والغنم، وشرائط وجوب الزكاة فيها خمسة أشياء: الإسلام، والحريّة، والملک التّام، والنّصاب والحول. وأما الزّروع: فتجب الزّكاة فيها بثلاثة شرائط: أن يكون ممّا يزرعه الأدميون وأن يكون قوتاً مدّخراً، وأن يكون نصاباً وهو خمسة أوسق لا قشر عليها.

## کتاب زکات

زکات در پنج چیز واجب است، و آن پنج چیز عبارتند از:

- ۱- چارپایان
- ۲- نقدینه ها
- ۳- زراعت
- ۴- میوه ها
- ۵- کالاهای تجارتي

## چارپایان:

زکات در سه جنس از آن ها واجب است:

- ۱- شتر
- ۲- گاو
- ۳- گوسفند

شرط‌های واجب شدن زکات در چارپایان شش چیز است:

- ۱- اسلام
  - ۲- آزادی
  - ۳- مالکیت کامل
  - ۴- رسیدن به حد نصاب
  - ۵- گذشت یک سال
  - ۶- چریدن در علفزار مباح
- نقدینه‌ها دو چیز<sup>۱</sup> هستند:**

- ۱- طلا
- ۲- نقره

شرط‌های واجب شدن زکات در نقدینه‌ها پنج چیز است:

- ۱- اسلام
- ۲- آزادی
- ۳- مالکیت کامل
- ۴- رسیدن به حد نصاب
- ۵- گذشت یک سال

شرط‌های واجب شدن زکات در محصولات زراعی سه چیز است:

- ۱- اینکه انسان خودش آنرا کاشته باشد
- ۲- آنکه قوت قابل ذخیره باشد
- ۳- رسیدن به حد نصاب که پنج وسق<sup>۲</sup> بدون پوست است.

**میوه‌ها: زکات در دو نوع از آنها واجب است:**

- ۱- میوه درخت خرما
- ۲- میوه درخت انگور

شرط‌های واجب شدن زکات در میوه‌ها چهار چیز است:

- ۱- اسلام
- ۲- آزادی
- ۳- مالکیت کامل
- ۴- رسیدن به حد نصاب

**شرط‌های واجب شدن زکات در کالاهای تجارتي:**

- همان شرط‌های واجب در نقدینه‌ها می‌باشد

---

<sup>۱</sup>- و جایگزین آنها از پول‌های رایج در هر کشور  
<sup>۲</sup>- ۶۵۰ کیلوگرم، هر وسق ۱۳۰ کیلوگرم است.

## فصل:

### نصاب زکات برای شتر:

اولین نصاب زکات برای شتر زمانی است که به پنج نفر برسد که زکات آن یک گوسفند است و در ده شتر دو گوسفند، و در پانزده شتر سه گوسفند، و در بیست شتر چهار گوسفند<sup>۱</sup> و در بیست و پنج شتر یک ماده شتر یک ساله، و در سی و شش شتر یک ماده شتر دو ساله، در چهل و شش شتر یک ماده شتر سه ساله، و در شصت و یک شتر یک ماده شتر چهار ساله، در هفتاد و شش شتر دو ماده شتر دو ساله، در نود و یک شتر دو ماده شتر سه ساله، و در یکصد و بیست و یک شتر سه ماده شتر دو ساله. سپس در هر چهل شتر یک ماده شتر دو ساله، و در هر پنجاه شتر یک ماده شتر سه ساله<sup>۲</sup>.

جدول زکات شتر	
مقدار زکات	تعداد شتر
۱ گوسفند	۹-۵
۲ گوسفند	۱۴-۱۰
۳ گوسفند	۱۹-۱۵
۴ گوسفند	۲۴-۲۰
بنت مخاض: (ماده شتر ۱ ساله)	۳۵-۲۵
بنت لبون: (ماده شتر ۲ ساله)	۴۵-۳۶
حقه (ماده شتر ۳ ساله)	۶۰-۴۶
جذعة: (ماده شتر ۴ ساله)	۷۵-۶۱
۲ بنت لبون	۹۰-۷۶
۲ حقه	۱۲۰-۹۱
۳ بنت لبون	۱۲۱
سپس در هر چهل شتر یک ماده شتر دو ساله، و در هر پنجاه شتر یک ماده شتر سه ساله	
مثال: ۱۵۰ = ۵۰ + ۵۰ + ۵۰ = (سه حقه) ----- ۱۸۰ = ۵۰ + ۴۰ + ۴۰ + ۵۰ = (۲ حقه و ۲ بنت لبون)	

### فصل: وأول نصاب البقر ثلاثون، وفيها تبع، وفي أربعين مستة، وعلى هذا إبدأ فقس.

<sup>۱</sup> - و قصد از گوسفند بز و یا میش است که هر کدام بدهد فرق نمی‌کند و چه نر بدهد و چه ماده [شیخ خالدی]  
<sup>۲</sup> - مثلاً در یکصد و شصت شتر چهار ماده شتر دو ساله، زکات داده می‌شود؛ زیرا چهار چهل تا است. و در یکصد و پنجاه شتر سه ماده شتر سه ساله است؛ زیرا سه پنجاه تا است. [شیخ خالدی]

**فصل:** وأول نصاب الغنم أربعون، وفيها شاة جذعة من الضأن أو ثنية من المعز، وفي مائة وإحدى وعشرين شاتان، وفي مائتين وواحدة ثلاث شياه، وفي أربعمائة أربع شياه ثم في كل مائة شاة.

**فصل:** والخليطان يزكيان زكاة الواحد بسبع شرائط: إذا كان المراح واحداً، والمسرح واحداً، والمرعى واحداً، والفحل واحداً، والمشرب واحداً، والحالب واحداً، وموضع الحلب واحداً.

**فصل:** ونصاب الذهب عشرون مثقالاً، وفيه ربع العشر وهو نصف مثقال، وفيما زاد بحسابه، ونصاب الورق مائتا درهم، وفيه ربع العشر وهو خمسة دراهم، وفيما زاد بحسابه. ولا تجب في الحلبي المباح زكاة.

**فصل:**

### نصاب زكات برای گاو:

اولین نصاب زكات برای گاو، سی تا است. در سی گاو یک گوساله لازم است، و در چهل گاو یک ماده گاو دو ساله، و همواره بر این اساس قیاس بگیر (که در سی گاو یک گوساله و در چهل تا یک ماده گاو دو ساله لازم است).

جدول زكات گاو	
مقدار زكات	تعداد گاو
۱ تبیع (گوساله ۱ یک ساله)	۳۰
۱ مسنه (ماده گاو ۲ ساله)	۴۰
سپس در هر سی گاو یک گوساله ی یک ساله، و در هر چهل گاو یک ماده گاو ۲ ساله	
مثال: ۳۰+۴۰=۷۰ (۱ تبیع و ۱ مسنه) --- ۱۲۰=۴۰+۴۰+۴۰ یا ۳۰+۳۰+۳۰+۳۰ (۳ مسنه یا ۴ تبیع)	

**فصل:**

### نصاب زكات برای گوسفند:

اولین نصاب زكات گوسفند چهل رأس می باشد. در چهل گوسفند یک گوسفند لازم است، یک میش یک ساله یا بز دو ساله، و در یکصد و بیست و یک گوسفند دو گوسفند، و در دویست و یک گوسفند سه گوسفند، و در چهارصد گوسفند چهار گوسفند. پس از آنکه از چهارصد گذشت، در هر صد رأس گوسفند یک رأس گوسفند لازم است.

جدول زكات گوسفند	
مقدار زكات	تعداد گوسفند
۱ گوسفند	۱۲۰-۴۰
۲ گوسفند	۲۰۰-۱۲۱
۳ گوسفند	۳۰۰-۲۰۱

سپس (بعد از ۳۰۰) در هر صد گوسفند یک گوسفند به زکات اضافه می شود

مثال: ۴۰۰ = (چهار گوسفند) ----- ۸۰۰ = (هشت گوسفند)

**فصل:**

**دو شریک به هفت شرط، مانند یک نفر زکات می دهند:**

۱- استراحت گاه حیوانات یکی باشد

۲- محل جمع شدنشان برای بردن به چراگاه یکی باشد

۳- چراگاه یکی باشد

۴- نر گله یکی باشد

۵- آبشخور یکی باشد

۶- شیردوش یکی باشد

۷- محل دوشیدنشان یکی باشد<sup>۱</sup>

**فصل:**

**نصاب زکات در طلا و نقره:**

حدّ نصاب طلا بیست مثقال<sup>۲</sup> است، که یک چهلیم آن یعنی نیم مثقال (از بیست مثقال)، به عنوان زکات حساب می شود و آنچه بیش از بیست مثقال باشد بر همین اساس محاسبه می شود<sup>۳</sup>.

حدّ نصاب نقره، دویست درهم<sup>۴</sup> است، که یک چهلیم آن یعنی پنج درهم (از دویست درهم)، به عنوان زکات حساب می شود. و آنچه بیش از دویست درهم باشد بر همین اساس محاسبه می شود. در زیورات مباح زکات واجب نیست.

**فصل:** و نصاب الزّروع و الثّمار خمسة أوسق وهي: ألف وستّمائة رطل بالعراقی وفيها زاد بحسابه، وفيها إن سقيت بماء السّماء أو السّيح العُشر، وإن سقيت بدولاب أو نضح نصف العشر.

**فصل:** وتقوم عروض التّجارة عند آخر الحول بما اشتریت به، ويخرج من ذالك ربع العشر وما استخرج من معادن الذهب والفضّة يخرج منه ربع العشر في الحال، وما يوجد من الرّكاز ففيه الخمس.

**فصل:** وتجب زكاة الفطر بثلاثة أشياء: الإسلام، وبغروب الشّمس من آخر يوم من شهر رمضان، ووجود الفضل عن قوته وقوت عياله في ذالك اليوم، ويترك عن نفسه وعن تلزمه نفقته من المسلمین صاعاً من قوت بلده، وقدره خمسة أرتال وثلث بالعراقی.

**فصل:**

حد نصاب محصولات زراعی و میوه ها پنج وسق<sup>۵</sup>، یعنی هزار و ششصد رطل عراقی است. و آنچه بیش از آن باشد بر همین اساس محاسبه می شود. زراعت و میوه هایی که با باران و یا آب جاری آبیاری شده

<sup>۱</sup> - قصد از یکی بودن آن است که فرقی در میان نهاده نشود، نه اینکه نری فقط یکی باشد، وقتی که تفاوت در بین نیست بگو نری و یا دوشنده ده باشد و اما ظرف دوشیدن بگو متعدّد باشد [شیخ خالدی]

<sup>۲</sup> - ۸۵ گرم طلای خالص

<sup>۳</sup> - یعنی یک چهلیم آن به عنوان زکات خارج می شود

<sup>۴</sup> - ۶۲۵ گرم نقره خالص

<sup>۵</sup> - ۶۵۰ کیلوگرم

باشد یک دهم آن زکات داده می‌شود، و اگر با استفاده از دلو و یا آب‌رسانی، آبیاری شده باشد، یک بیستم آن زکات داده می‌شود.

### فصل:

کالاهاى تجارتي در آخر سال با همان پولی که خریداری شده‌اند، قیمت کرده می‌شوند و یک چهلیم آن، به عنوان زکات پرداخت می‌شود. و طلا و نقره‌هایی که از معدن استخراج می‌شود باید فوراً یک چهلیم آن به عنوان زکات پرداخت شود. و گنجینه‌هایی که یافت شود، باید یک پنجم آن به مستحقین داده شود.

### فصل:

زکات فطر به سه شرط واجب می‌شود:

۱- اسلام

۲- غروب آفتاب آخرین روز از ماه رمضان

۳- در اختیار داشتن مواد غذایی افزون بر قوت شخص و خانواده‌اش در همان روز. و از طرف خودش و مسلمانانی که خرجی آنها به عهده اوست یک صاع<sup>۱</sup> از قوت غالب شهرش زکات می‌دهد. و اندازه آن پنج رطل و ثلث عراقی است.

**فصل:** وتُدفع الزَّكَاةُ إِلَى الْأَصْنَافِ الثَّمَانِيَةِ الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ الْعَزِيزِ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى:

﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ [التوبة: ۶۰]. وإلى من يوجد منهم ولا يقتصر على أقل من ثلاثة من كلِّ صنفٍ إلاَّ العامل. وخمسة لا يجوز دفعها إليهم: الغني بمال أو كسب، والعبد، وبنو هاشم وبنو عبد المطلب والكافر. ومن تلزم المزكي نفقته لا يدفعها إليهم بإسم الفقراء والمساكين.

### فصل:

زکات به گروه‌های هشتگانه‌ای که خداوند متعال در قرآن در آیه: ﴿إِنَّمَا الصَّدَقَتُ...﴾؛ «صدقات، تنها به تهیدستان و بینوایان و متصدیان [گردآوری و پخش] آن، و کسانی که دلشان به دست آورده می‌شود، و در [راه آزادی] بردگان، و وامداران، و در راه خدا، و به در راه مانده، اختصاص دارد. [این] به عنوان فریضه از جانب خداست، و خدا دانای حکیم است»، آنها را ذکر نموده است عطا می‌شود و به هر کسی از این هشت گروه که یافت شود. و به کم‌تر از سه نفر از هر گروه اکتفا، نمی‌کند مگر گروه متصدیان گردآوری و پخش (که می‌تواند به یک نفر از ایشان بدهد). و دادن زکات به پنج گروه جایز نیست:

۱- شخصی که از لحاظ مالی یا کسب و کار توانگر است

۲- برده

۳- بنی‌هاشم و بنی‌مطلب

۴- کافر

<sup>۱</sup> - ۲ کیلو و ۳۶ گرم، برخی آن را حدود ۳ کیلو دانسته‌اند.

۵- کسی که خرجی اش به عهده زکات دهنده است ، وی نمی تواند به اسم فقراء و مسکینان به او زکات دهد<sup>۱</sup>.

### کتاب الصَّیام

وشرائط وجوب الصَّیام أربعة أشياء: الإسلام، والبلوغ، والعقل، والقدرة على الصَّوم. وفرائض الصَّوم أربعة أشياء: النية، والإمساك عن الأكل والشَّرب والجماع وتعمد القيء.

والَّذی یفطر به الصَّائِم عشرة أشياء: ما وصل عمداً إلى الجوف أو الرَّأس، والحُقنة فی أحد السَّبیلین، والقیء عمداً، والوطء عمداً فی الفرج، والإنزال عن مباشرة، والحیض، والتَّفاس، والجنون، والرَّدة.

ويستحب في الصَّوم ثلاثة أشياء: تعجيل الفطر، وتأخير السَّحور، وترك الهَجْر من الكلام; ويحرم صيام خمسة أيام: العیدان، وأيام التَّشريق الثلاثة. ويكره صوم يوم الشَّك إلا أن یوافق عادة له. ومن وطىء فی نهار رمضان عامداً فی الفرج فعليه القضاء والكفارة، وهی عتق رقبة مؤمنة، فإن لم یجد فصيام شهرین متتابعین، فإن لم یستطع فإطعام ستین مسکیناً، لكل مسکین مدّ. ومن مات وعليه صيام من رمضان أطعم عنه لكل يوم مدّ. والشَّيخ إن عجز عن الصَّوم یفطر ویطعم عن كل يوم مدّاً.

والحامل والمرضع إن خافتا على أنفسهما أفطرتا وعليهما القضاء، فإن خافتا على أولادهما أفطرتا وعليهما القضاء والكفارة عن كل يوم مدّ وهو رطل وثلث بالعراقی. والمريض والمسافر سفراً طويلاً یفطران ویقضیان.

#### کتاب روزه:

شرطهای واجب شدن روزه چهار چیز است:

۱- اسلام

۲- بالغ بودن

۳- عقل

۴- توانایی روزه گرفتن

فرضهای روزه چهار چیز است:

۱- نیت

۲- خودداری از خوردن و نوشیدن

۳- خودداری از همبستری

۴- خودداری از استفراغ عمدی

آنچه روزه را باطل می کند ده چیز است:

۱- هرچیزی که به صورت عمدی وارد شکم شود

۲- هرچیزی که به صورت عمدی وارد سر (سوراخ بینی و گوش) شود

<sup>۱</sup> - ولی به عنوان بدهکار می تواند به او زکات بدهد.



۳- اماله<sup>۱</sup> در یکی از دو راه

۴- استفراغ عمدی

۵- نزدیکی عمدی در شرمگاه

۶- نازل شدن منی در اثر تماس

۷- آمدن خون حیض

۸- آمدن خون نفاس

۹- دیوانگی

۱۰- از دین برگشتن

### سه چیز در روزه پسندیده است:

۱- شتاب نمودن در افطار

۲- به تأخیر انداختن سحری

۳- ترک سخنان بیهوده

### در پنج روز، گرفتن روزه حرام است:

۱- عید فطر

۲- عید قربان

۳- روزهای تشریق<sup>۲</sup>

### حکم روزه روز شک:

و روزه روز شک مکروه است<sup>۳</sup>، مگر اینکه با عادت شخص مصادف شود<sup>۴</sup>.

### کفاره‌های روزه:

و کسی که در روز رمضان عمداً در شرمگاه نزدیکی کرد قضا و کفاره بر او لازم است. کفاره آن: آزاد کردن برده مسلمان، اگر نیافت باید دو ماه پی در پی روزه بگیرد، اگر نتوانست باید به شصت فقیر غذا دهد، برای هر فقیر یک مد<sup>۵</sup>.

کسی که وفات کند و روزه بر او باشد، از طرف او به جای هر روز، یک مد (غذا) داده می‌شود، و شخص پیری که نمی‌تواند روزه بگیرد، افطار کرده و به جای هر روز یک مد غذا می‌دهد. و زن باردار و زن شیرده اگر نگران سلامتی خودشان بودند، افطار کرده و قضای آن را به جا می‌آورند، و اگر نگران فرزندان‌شان بودند افطار کرده، قضای آن را به جای آورده و به جای هر روز یک مد کفاره می‌دهد. مد عبارت از یک و یک‌سوم رطل عراقی است. بیمار و مسافر سفر طولانی (شانزده فرسخ) حق افطار دارند و قضا می‌گیرند.

<sup>۱</sup> - تنقیه، وارد کردن داروی مایع از طریق مقعد

<sup>۲</sup> - یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ذی‌الحجه

<sup>۳</sup> - و در قول معتمد روزه روز شک حرام است [شیخ خالدی]

<sup>۴</sup> - به عنوان مثال شخصی که عادت داشته دوشنبه‌ها و پنج‌شنبه‌ها را روزه می‌گرفته، اگر روز شک، دوشنبه یا پنج‌شنبه بود اشکالی ندارد

روزه بگیرد.

<sup>۵</sup> - ۵۰۹ گرم

**فصل:** والإعتكاف سنة مستحبة وله شرطان: النية، واللبث في المسجد. ولا يخرج من الإعتكاف المندور إلا لحاجة الإنسان أو عذر من حيض أو مرض لا يمكن المقام معه وببطل بالوطء.

**فصل:**

**اعتكاف:**

اعتكاف ، سنتي پسندیده است.

شرطهای اعتكاف دو تا است:

۱- نیت

۲- ماندن در مسجد

در اعتكاف نذر شده ، بیرون رفتن از مسجد روا نیست مگر برای قضای حاجت یا عذر حیض یا بیماری که مانع ماندن در مسجد باشد ؛ و همبستری اعتكاف را باطل می کند.

**کلمات:**

(إعتكاف): به معنی ماندن است. و در اینجا مقصود از آن نشستن در مسجد به قصد عبادت است. (سنة): به معنی راه و روش است و در اینجا مرا راه پیامبر است. (مستحبة): پسندیده (اللبث): ماندن. (مسجد): سجده گاه ، عبادتگاه. (مندور): نذر شده. (نذر): به معنی التزام و تعهد انجام کاری است که هر گاه در طاعت باشد عملی کردنش واجب است. (حاجة): نیاز. (إنسان): بنی آدم ؛ (عذر): دستاویز ، بهانه. (حيض): روان شدن و قصد از آن قاعده ماهیانه زن ها است که در مدت قاعدگی خون از آن ها روان می شود. (مرض): بیماری. (لا يمكن): شدنی نیست. (إمكان): شدنی. (مقام): ماندن. (معه): همراه آن. (يبطل): نابود می شود. (بالوطء): به نزدیکی ، اصل و طء به معنی پا نهادن.

## کتاب الحجّ

وشرائط وجوب الحجّ سبعة أشياء: الإسلام، والبلوغ، والعقل، والحرية، ووجود الزّاد والرّاحلة وتخلية الطّريق وإمكان المسير.

وأركان الحجّ أربعة: الإحرام مع التّية، والوقوف بعرفة، والطّواف بالبيت، والسّعى بين الصّفا والمروة. وأركان العمرة ثلاثة: الإحرام، والطّواف، والسّعى، والحلق أو التقصير في أحد القولين. وواجبات الحجّ غير الأركان ثلاثة أشياء: الإحرام من الميقات، ورمي الجمار (الثّلاث، والحلق. وسنن الحجّ سبع: الأفراد، وهو تقديم الحجّ على العمرة، والتّلبية، وطواف القدوم، والمبيت بمزدلفة: وركعتا الطّواف، والمبيت بمنى، وطواف الوداع. ويتجرّد الرّجل عند الإحرام من المخيط ويلبس إزاراً ورداءً أبيضين .

**فصل:** ويحرم على المحرم عشرة أشياء: لبس المخيط وتغطية الرّأس من الرّجل والوجه من المرأة، وترجيل الشّعر وحلقه، وتقليم الأظفار، والطّيب، وقتل الصّيد، وعقد النّكاح، والوطء، والمباشرة بشهوة. وفي جميع ذلك الفدية إلا عقد النّكاح فإنّه لا ينعقد. ولا يفسده إلا الوطء بالفرج. ولا يخرج منه بالفساد. ومن فاته الوقوف بعرفة تحلّل بعمره وعليه القضاء والهدى. ومن ترك ركناً لم يحلّ من إحرامه حتّى يأتي به، ومن ترك واجباً لزمه الدّم، ومن ترك سنة لم يلزمه بتركها شيء.

**کتاب حج:**

شرطهای واجب شدن حجّ هفت چیز است:

- ۱- اسلام
  - ۲- بالغ بودن
  - ۳- عقل
  - ۴- آزادی
  - ۵- وجود توشه و وسیله سواری
  - ۶- امن بودن راه
  - ۷- امکان رفتن به حج<sup>۱</sup>.
- ارکان حجّ چهار چیز است:**
- ۱- احرام بستن به حج همراه با نیت
  - ۲- ایستادن در عرفات
  - ۳- طواف خانه خدا
  - ۴- سعی (یعنی دویدن میان صفا و مروه)
- ارکان عمره سه چیز است:**
- ۱- احرام به عمره بستن
  - ۲- طواف خانه خدا
  - ۳- سعی میان صفا و مروه
  - ۴- تراشیدن یا کوتاه کردن موی سر در یکی از دو قول امام شافعی.
- واجبات حج غیر از رکن‌های آن سه چیز است:**
- ۱- احرام بستن از میقات
  - ۲- سنگ زدن به ستون‌های سه گانه
  - ۳- تراشیدن موی سر
- سنت‌های حج هفت است:**
- ۱- جلو کردن حجّ بر عمره<sup>۲</sup>
  - ۲- لبّیک گفتن
  - ۳- طواف قدوم (هنگام وارد شدن به مکه معظّمه)
  - ۴- شب ماندن در مُزدلفه
  - ۵- دو رکعت نماز سنّت طواف
  - ۶- شب ماندن در منی
  - ۷- طواف خداحافظی (وداع)<sup>۳</sup>
- مردها هنگام احرام بستن از لباس دوخته در آمده و دو پارچه سفید (دوش انداز و لُنگ) می‌پوشند.

<sup>۱</sup> - وقت حج باشد

<sup>۲</sup> - افراد

<sup>۳</sup> - موقع بیرون رفتن از مکه به قصد سفر از آن.

## فضل:

بر کسی که احرام به حج یا عمره بسته ده چیز حرام است:

۱- پوشیدن لباس دوخته

۲- پوشاندن سر، در مردان

۳- پوشاندن صورت در زنان

۴- شانه زدن موها

۵- تراشیدن موها

۶- کوتاه کردن ناخن

۷- استفاده از خوشبویی

۸- شکار حیوانات

۹- عقد زناشوئی

۱۰- نزدیکی با زن، و تماس همراه با شهوت

در تمام این ده چیز فدیة لازم است، جز عقد نکاح که در حال احرام بسته نمی‌شود. و حج را فقط جماع فاسد می‌کند، و اگر فاسد شد، نباید از حج بیرون رود<sup>۱</sup>، و کسی که ایستادن در عرفه از او فوت شد، از احرام بیرون آمده و اعمال عمره<sup>۲</sup> را به انجام می‌دهد و قضا و قربانی بر او واجب است.

کسی که یکی از رکن‌های حج را ترک نمود از احرام بیرون نمی‌آید تا آنکه آن را انجام دهد. و کسی که یکی از واجبات حج را ترک نمود، قربانی بر او لازم است، و کسی که یکی از سنت‌های حج را ترک نمود، چیزی بر او لازم نیست.

## کلمات:

(حج): قصد نمودن. حججت بیت الله: قصد نمودم خانه خدا را. (بلوغ): رسیدن. قصد از آن رسیدن به سن تکلیف است (عقل): بازداشتن، زیرا عقل انسان را از زشتی‌ها باز می‌دارد. (زاد): توشه. (راحلة): بارگیر. (تخلية الطريق): امن بودن راه. (امکان المسیر): شدنی بودن رفتن به حج که وقت آن باشد. (الإحرام): آنچه بوسیله آن چیزهایی حرام شود، احرام به حج: لباس دوخته و بوی خوش و محرّمات را حرام می‌سازد. (عمرة): زیارت، بدیدار رفتن، و در عمری یکبار عمره فرض است. (حلق): سر تراشیدن. (تقصیر): کوتاه کردن، قصد از آن کوتاه کردن موی سر.

(میقات): وقت حج که شوال و ذیقعدة است، و وقت عمره همه سال است، و میقات در اینجا یکی از جاهای پنجگانه است که احرام از یکی از این جاها بندند: یلملم، ذوالحلیفة یا آبیار علی، قرن المنازل، ذات عرق، جحفة یا رابع. (رمی): سنگ انداختن. (جمار): ستون‌های سه گانه در منی. (افراد): تنها ساختن، که حج را به تنهایی بدون عمره قبلاً انجام دهد بعداً عمره بجا بیاورد. (التلبیة): یعنی لبیک گفتن: لبیک اللهم لبیک، لبیک لا شریک لک لبیک، إن الحمد والنعمه لک والمُلک لا شریک لک.

<sup>۱</sup> - ، بلکه باید آن حج فاسد را به پایان برساند و سال دگر آن را قضا کند و ذبح شتر بر او لازم است.

<sup>۲</sup> - که طواف و سعی و حلق باشد

(قُدوم): رسیدن ، ابتدا ورود به مکه معظمه طواف خانه خدا بنام طواف قدوم سنت است. (المبیت): شب ماندن. (منی): محلی است در یک فرسخی مکه. (مزدلفة): محلی است در یک فرسخی منی و دو فرسخی مکه. (عرفة): محلی است در یک فرسخی مزدلفه و سه فرسخی مکه. (وداع): خداحافظی ، که موقع بیرون رفتن از مکه به قصد سفر یا مراجعت به وطن ، طوافی سنت است و طواف وداع نامیده می شود. (یتجرد): برهنه می شود. (مخیط): لباس دوخته. (مُحیط): فرا گیرنده مانند عرق چین و غیره. (إزار): لنگ پا. (رداء): لنگ دوش (تغطیة): پوشانیدن. (رأس): سر. (رَجُل): مرد. (وجه): روی. (امرأة): زن. (ترجیل): شانه زدن. (شعر): مو.

**فصل: والدّماء الواجبة فی الإحرام خمسة أشياء: أحدها الدّم الواجب بترك نُسك وهو علی الترتیب: فإن لم يجد فصيام عشرة أيام، ثلاثة فی الحجّ وسبعة إذا رجع إلى أهله. والثانی الدّم الواجب بالحلق والتّرفة، وهو علی التّخیر: شاة، أو صوم ثلاثة أيام، أو التّصدّق بثلاثة أصع علی ستّة مساکین. والثالث الدّم الواجب بالإحصار فیتحلل ویهدی شاة. والرّابع الدّم الواجب بقتل الصّید، وهو علی التّخیر، إن كان الصّید ممّا له مثل، أخرج المثل من النّعم أو قومه و اشتري بقیمته طعاماً و تصدّق به أو صام عن كلّ مدّ يوماً. إن كان الصّید ممّا لا مثل له أخرج بقیمة أو صام عن كلّ مدّ يوماً. والخامس: الدّم الواجب بالوطء وهو علی الترتیب: بُدنة، فإن لم یجدها فبقرة، فإن لم یجدها فسبع من الغنم، فإن لم یجدها قوّم البدنة واشتري بقیمتها طعاماً و تصدّق به، فان لم یجدها صام عن كلّ مدّ يوماً، ولا یجزئه الهدی ولا الإطعام إلاّ بالحرم، ویجزئه أن یصوم حیث یشاء، ولا یجوز قتل صید الحرم ولا قطع شجره، والمحلّ والمحرم فی ذالک سواء.**

### فصل:

**خون های واجب در حالت احرام پنج چیز است:**

**اول:** خونی که به سبب ترک یکی از واجبات حج و عمره ، واجب می شود<sup>۱</sup> ، که باید به ترتیب انجام شود: ابتدا ذبح گوسفند است. اگر گوسفند را نیافت ، ده روز روزه می گیرد که سه روز آن در حج و هفت روز هنگامی است که نزد خانواده اش باز می گردد

**دوم:** خونی است که به خاطر تراشیدن مو و تن آسایی<sup>۲</sup> واجب می شود که به صورت اختیاری است: یا گوسفندی ذبح نماید و یا سه روز روزه بگیرد و یا سه صاع<sup>۳</sup> صدقه به شش مسکین بدهد.

**سوم:** خونی که به خاطر منع شدن از حج ، واجب می شود<sup>۴</sup> که در این صورت شخص خود را از احرام بیرون آورده و گوسفندی را قربانی می کند.

**چهارم:** خونی که به خاطر کشتن شکار واجب می شود که به صورت اختیاری است: اگر شکار در میان چارپایان همانندی داشت ، همانندش را می دهد<sup>۵</sup> و یا آن قیمت کرده و به قیمت آن به فقرا غذا می دهد یا

<sup>۱</sup> - مثل احرام نیستن از میقات

<sup>۲</sup> - استفاده از عطر و لباس دوخته شده

<sup>۳</sup> - هر صاع در مذهب شافعی ۲ کیلو و ۳۶ گرم است و برخی آن را حدود ۳ کیلو دانسته‌اند.

<sup>۴</sup> - مثلاً اگر زنی احرام به حج بست بدون اذن شوهرش و شوهر مانع شد و امکان رفتن نبود، یا اینکه دشمن راه را بسته بود و اجازه رسیدن به حج را نداد.

<sup>۵</sup> - مثلاً مانند آهو، بز است مانند گاو، گاو کوهی است، مانند شتر مرغ، شتر است.

به جای هر مُد یک روز روزه می‌گیرد ، و اگر شکار از نوعی باشد که مانند ندارد ، آن را قیمت می‌نهند و به قیمت آن غذا خریده به فقرا می‌دهد ، یا به جای هر مُد یک روز روزه می‌گیرد.

**پنجم:** خونی است که به خاطر همبستری واجب می‌شود که به ترتیب است: ذبح یک شتر ، اگر نیافت یک گاو و اگر نیافت ، هفت گوسفند است ، اگر نیافت شتر را قیمت کرده و به قیمت آن غذا خریده و صدقه نماید ، اگر نیافت به جای هر مُد یک روز روزه می‌گیرد. قربانی و غذا دادن جز در حرم جایز نیست ولی روزه را هر کجا که خواست می‌توند بگیرد. و کشتن شکار حرم و بریدن درختان آن جایز نیست و این حکم برای شخصی که احرام بسته و شخصی که احرام نبسته یکسان است.